

آغاز هشتمین سال جنگ ارتجاعی

تازه‌ای نیز یافت. فشار بین‌المللی. فشار بین‌المللی چنان دامنه‌ای یافت که در زمره عوامل عمده دخیل در سرشوت جنگ، قرار گرفت. خمینی دست و پا زد و مدبوحانه همچنان فریاد نفرت انگیز "جنگ، جنگ، تا پیروزی" را سرداد. فریادهامه از سر درماندگی بود. شهیق‌شان خودشان را نیز نمی‌تواند فریب دهد.

جنگ در حساس‌ترین لحظات حیات ننگین خود پا به سال هشتم می‌نهد. حوادث یک ساله گذشته و خاصه رخدادهای تاپستانی که پشت سر نهادیم، تاثیرات تعیین‌کننده‌ای بر روی سال هشتم خواهند نهاد. در مقاله "جنگ در هفتمین سال" در صفحه ۵ مروری بر این حوادث داریم.

جنگ وارد هشتمین سال حیات ننگین خود شد. کشت و سوژاند و ویران کرد، و از خلل روزها و ماهها و سالها گذشت. باکوهی از چنانزه پردوش و درشتی از خون، خونی که تا کلواگاش رسیده است. و این همه خمینی را سیراب نکرده است.

سال هفتم، سال تعمیق حالت بن‌بست بود. ناتوانی و درماندگی رژیم به یک کیفیت بدل شد. بسیج‌های نظامی ره به جایی نبردند، مدام شوچرانان و چرانان بیشتری از اعزام به جبهه‌های بی‌بازگشت سرباز زدند، خمینی فتواشت آسان که خود می‌خواهد جبهه‌ها را انباشته کند. بحران اقتصادی چنان بالا گرفت که عرصه را بر جنگ نیز تنگ کرد. ناراضبیتی‌ها و نفرت‌ها فزونی‌تر شدند. جنگ بعد کیفیتنا

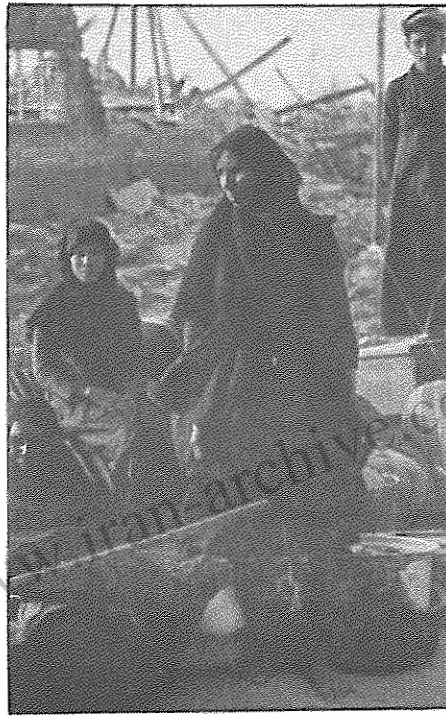
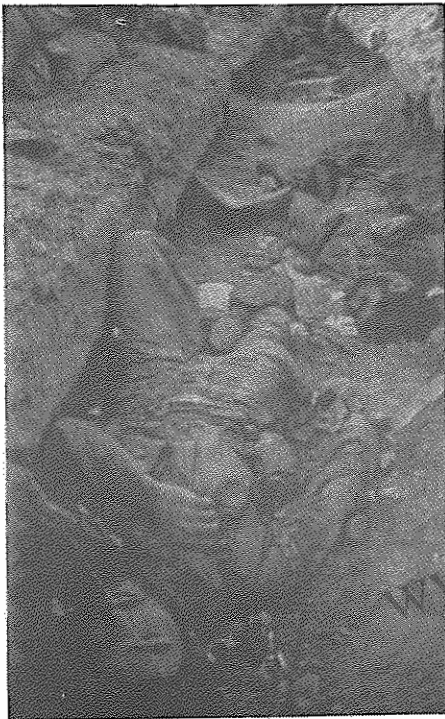


دوشنبه ۲۰ شهریور ۱۳۶۶ برابر (۲ سپتامبر ۱۹۸۷) بها ۸۰ ریال - سال چهارم - شماره ۱۷۵

جنگ: بیلانی از روندهای تازه

عصر روز جمعه ۲۰ شهریور، خاویر بیرز دو کوئیار دبیر کل سازمان ملل متحد وارد تهران شد. او در تهران به ترتیب با ولایتی، وزیر خارجه، موسی نخست وزیر و خامنه‌ای رئیس جمهور رژیم خمینی دیدار کرد. دبیر کل سازمان ملل، بعد از ظهر روز یکشنبه ۲۲ شهریور تهران را به مقصد بغداد ترک گفت و در آنجا با صدام حسین و طارق عزیز وزیر امور خارجه عراق به مذاکره نشست. خاویر بیرز دو کوئیار بعد از ظهر روز سه‌شنبه ۲۴ شهریور از بغداد به مقصد نیویورک پرواز کرد و روز بعد در جلسه شورای امنیت حضور یافت، تا نتایج سفر خود به تهران و بغداد را به شورا گزارش کند. خاویر بیرز دو کوئیار سفر خود را در مجموع مثبت ارزیابی کرد، هر چند که در آغاز هفته گذشته مطبوعات بین‌المللی لحن مایوس‌کننده‌ای نسبت به این سفر داشتند. خاویر بیرز دو کوئیار به خبرنگاران گفت: "اگر معنی موفقیت دریافت حقیقت باشد، سفر من موفقیت آمیز بوده است." او پیش از ادای این سخن گفته بود: "من نسبت به نتایج این سفر نه خوش بینم و نه بد بین."

جمهوری اسلامی خود سفر دبیر کل سازمان ملل به تهران را مثبت توصیف کرد. خامنه‌ای در آستانه ورود بیرز دو کوئیار به تهران در خطبه‌های نماز جمعه گفت: "فطنانه اخیر شورای امنیت دوسه نقطه روشن و قابل قبول دارد. همان دوسه نقطه موجب شد که ما این قطعنامه را رد نکنیم. البته همه قطعنامه هم مورد قبول بقیه در صفحه ۲



جنگ هفت ساله شد. اگر نوژادی بود، همین فردا به مدرسه می‌رفت. اگر خشت اول شهری بود، امروز مظهر آبادانی و حضور انسانها بود. اگر چرخ نخست کارخانه ای بود، امروز سفر از دود خورده ای می‌نمود. اگر نهال صوبیری بود، امروز سر بر آسمان می‌سایید... اما او برآمد، چون دبری از شبیه، تا کوردکان را در مدرسه بر خاک افکند، شهرها را ویران کند، چرخ کارخانه‌ها را از حرکت بازدارد و جنگلها را بسوزاند...

از رویدادهای ایران

- بمباران شهرها و تاسیسات صنعتی ایران و عراق
- اعلام نتایج کنکور سراسری کشور
- ژاپن خواستار برداخت حق بیمه تاسیسات پتروشیمی بندر خمینی است
- دیدار وزیر خارجه الجزایر و سوریه از تهران

"ارتباط ایتالیایی"

از مقاله هفته نامه "عصر جدید" درباره معاملات مافیا، جمهوری اسلامی و دولت ریگان

به حکم یک بازپرس قضایی ایتالیایی، یکی از این دلان دستگیر شد، از نظر صحنه گردانان "ایران گیت" بهم آن می‌رفت که معاملات مزبور فاش شود. اما فرد دستگیر شده که هنری آرس نام داشت، در اوایل سال ۱۹۸۲ در زندان به نحو مرموزی درگذشت.

در مقاله "عصر جدید" به بخشی از فشارها و تهدیدهایی اشاره شده است که در تمام مدت ۸ سال اخیر توسط مافیا، دولت آمریکا و دولت ایتالیا، بر کارلو پالمو، بازپرس قضایی ایتالیایی وارد شده است تا وی دست از تحقیقات خود بردارد، پالمو یک بار هدف سو قصد گرفت. حتی وی را دادگاهی کردند

در شماره گذشته "اکثریت"، گزارشی درباره معاملات تسلیحاتی مافیا و جمهوری اسلامی درج کردیم. در شماره ۲۲ هفته‌نامه شوروی "عصر جدید" نیز در این مورد مقاله‌ای به چاپ رسیده است.

این مقاله به شرح نکاتی از سابقه روابط گسترده سازمان سیا و وزارت دفاع آمریکا با اتحادیه تبهکاران، مافیا، می‌پردازد. در این مقاله همچنین گفته شده است که ارسال سلاحهای آمریکایی به جمهوری اسلامی، از سال ۱۹۷۹ آغاز شد. ارسال تسلیحات برای رژیم خمینی، از دوکانال شورای امنیت ملی و وزارت دفاع آمریکا صورت می‌گرفت. مقامات آمریکایی بدین منظور چند دلال اسلحه واپسته به مافیا را واسطه قرار داده بودند. هنگامی که

پیام سازمان جوانان پیشگام ایران به دانش آموزان و دانشجویان بمناسبت آغاز سال تحصیلی ۶۶-۶۷

گسترده باد مبارزه انقلابی دانشجویان و دانش آموزان

دانش آموزان و دانشجویان عزیز!

سال تحصیلی جدید را در شرایطی آغاز می‌کنیم که جنگ خانمان برانداز ایران و عراق وارد هشتمین سال می‌شود. سران چنایکتار رژیم در سال پیش چندصد هزار تن از دوستان و همکلاسی‌های شما را در بسیج نیرو و تحت عناوین مختلف روانه جبهه‌های مرگ کردند. جان هزاران تن از آنها را در عملیات شکست خورده کربلا در آغاز زندگی به مرگ و نیستی سپردند، مغلول و از کار افتاده ساختند، یا به اردوگاه‌های اسیران در عراق فرستادند. امسال هم باز با نیرنگ‌های جدید مثل طرح "پاسدار دانش آموز"، "دانشگاه در جبهه" و "آموزش نظامی اجباری در مدارس" و اخیراً "واحد درسی آموزش نظامی" در دانشگاه، نقشه شوم کشتار تعداد بیشتری از شما را در سر می‌پروراندند. سال گذشته در مسابقه چنایت خمینی و صدام برای بمباران شهرها و کشتار مردم بی‌دفاع، مدارس و دانشگاهها را بر سر شما خراب کردند و امسال باز هم در تازه‌ای از جنگ شهرها را آغاز کرده‌اند. رژیم فقهاکه در سال پیش با افشای روابطش با "شیطان بزرگ" نزد مردم ایران و جهان رسوا شد، اینک با پاره انداختن چنجال علیه آمریکا و تلاش برای متشنج کردن خلیج فارس که تا کنون بیشترین سود را برای آمریکا داشته است، ژست دروغین ضد امپریالیستی گرفته است.

سال جدید تحصیلی در شرایطی آغاز می‌شود که سایه شوم اختلاف، نفس کشیدن در محیطهای آموزشی را دشوار کرده است. رژیم با افزایش سهمیه نهادهای ارتجاعی در کنگور دانشگاهها تا ۵۰ درصد، محروم کردن دختران از تحصیل در تعداد دیگری از رشته‌های تحصیلی و خط و نشان کشیدن برای سرکوب هر نوع فعالیت سیاسی در مدارس و دانشگاهها و در تازه‌ای از تشدید استبداد را آغاز کرده است.

اینک شما در شرایطی به کلاسهای درس می‌روید که ۵ میلیون کودک و نوجوان زحمتکش موطنمان از آموزش محرومند، رژیم فقهبا رسیت دادن به اخذ شهریه، قانونی کردن تاسیس مدارس انتفاعی و بازار سیاه لوازم التحریر، تعداد بازم بیشتری از فرزندان زحمتکشان را به ترک تحصیل واداشته است. دانش آموزان و دانشجویان مبارز!

مبارزه شما علیه بیدادگرهای رژیم بخش مهمی از مبارزه دلیرانه مردم ایران است. مقاومت و مبارزه جوانان در سال گذشته از اشکال مختلف فردی و پراکنده تا اعتراضات دسته جمعی و تظاهرات در استادبوم‌های ورزشی جریان داشت. دانشجویان به اشکال گوناگون در برابر اعزام به جبهه مقاومت کردند و سیاست رژیم در جلب دانشجویان به جبهه در اساس شکست خورد. اعتراضات متعدد برای لغو دریافت شهریه و جلوگیری از تخلیه مدارس، روبرویی با طرح‌های رژیم برای کمک به جبهه و تبلیغات جنگ طلبانه آخوندها در مدارس، حرکات اعتراضی صنفی دانشجویی در تهران و اهواز و تیریز نشان داد که رژیم قادر به خاموش کردن شعله مقاومت و مبارزه در مراکز آموزشی نیست و زمینه گسترش و تشدید آن بوجود آمده است.

اکنون انجمن‌های اسلامی به‌منابه ابزار سرکوب و جاسوسی رژیم در محیطهای آموزشی با بحران فزاینده‌ای روبرو هستند. طرد و انزوی انجمنی‌ها توسط توده دانش آموز و دانشجوی تشدید درگیری میان جناحهای مختلف آن و بالاخره دلسردی و نومیدی عده‌ای از اعضای انجمن و خروجشان از آنها، فروپاشی این نهاد ارتجاعی را تسریع کرده است.

دانشجویان و دانش آموزان مبارز!

باید در آستانه سال جدید تحصیلی دست در دست هم مبارزات خود را گسترش دهیم. نبرد علیه جنگ و برای صلح را تشدید کنید. در مقابل اعزام اجباری به جبهه مقاومت و از کمک به جنگ امتناع ورزید. واقعیت دروغین شعارهای ضد امپریالیستی رژیم را برای مردم و توده جوانان افشا کنید. نوجوانان کم آگاهی را که فریب نیرنگ آخوندها را می‌خورند، آگاه کنید. از جوانانی که از سربازی فرار کرده‌اند، از سربازانی که از جبهه گریخته‌اند و از مبارزه درون جبهه‌ها و پادگانها علیه جنگ دفاع کنید. در اعتراضات و

تظاهرات ضد جنگ شرکت کنید و آنها را سازمان دهید.

- تضادهای درونی انجمن‌های اسلامی و سایر نهادهای حکومتی در آستانه انتخابات تشدید می‌شود، به افشا ماهیت این اختلافات و خصلت ضد مردمی تمامی آنها بپردازید. از تضادهای درونی و کشاکش آنها در راستای طرح خواسته‌های دانش آموزان و دانشجویان استفاده کنید. به آن دسته از جوانان صادق مذهبی که طرفداری از رژیم را به دلیل روشن شدن ماهیت پلید آن ترک می‌کنند، کمک کنید تا راه صحیح مبارزه علیه ارتجاع و امپریالیسم برای خواسته‌های مردمی را بیابند.

- در راه "انحلال انجمن‌های اسلامی" این ارگانهای جاسوسی، سرکوب و بیرونده سازی در دانشگاه و مدرسه، "لغو ضوابط ارتجاعی کنگور و سهمیه نهادهای ارتجاعی"، به رسیت شناختن حقوق دانشجویان و دانش آموزان برای "ایجاد تشکلهای صنفی مستقل"، "آزادی فعالیت سیاسی و اجتماعی در محیطهای آموزشی" و "برابر حقوقی" دختران و پسران در همه عرصه‌های آموزشی مبارزه کنید.

- علیه کمبود و گرانی فوشت اقوآر اعتراض کنید مسئولین را تحت فشار بگذارید تا لوازم التحریر را به قیمت ارزان تامین و از طریق تعاونی‌های دانشجویی و دانش آموزی توزیع کنند.

- در راه دستیابی به سایر خواسته‌های صنفی، در مدارس، علیه کمبود معلم و فضای آموزشی، معلمین بی صلاحیت و مکتبی، تنبیه بدنی و تحقیر و توهین دانش آموزان، اخذ شهریه و هر نوع دیگر اخاذی، در دانشگاهها، علیه کمبود خوابگاه، وضعیت دشوار و غیر انسانی زندگی در خوابگاههای موجود، کیفیت بد و گرانی غذا در سلف سرویس‌های دانشگاه، کمبود استاد، گرانی قیمت کتابها و جزوه‌های درسی دانشگاهی، و در دانشگاه آزاد - برای پایین آوردن شهریه، تعیین تکلیف مدرک تحصیلی و خواسته‌های دیگر مانند معافیت حین تحصیل از خدمت نظام وظیفه، تمرکز دانشگاه‌های مختلف در هر شهر، بهبود امکانات آموزشی و رفاهی مبارزه کنید.

- از مبارزه معلمین و استادان دلسوز و مترقی حمایت کنید و آنها را به پشتیبانی از خود فراخوانید.

- دانشجویان و دانش آموزان پیشگام باید با ایجاد واحد مخفی سازمانی در دانشگاهها و مدارس مهم حضور فعال و موثر خود در این مراکز را تامین نمایند.

- کمبود هسته‌های مخفی صنفی همچنان ضعف بزرگ مبارزات دانشجویی است. دانشجویان پیشگام باید در جهت ایجاد و تحکیم هسته‌های مخفی دانشجویی با شرکت فعالین صنفی بکوشند. باید تلاش کرد تا همکاری همه دانشجویان و دانش آموزان با کرایشات گوناگون سیاسی و عقیدتی و اتحاد همه نیروهای ترقیخواه در دانشگاهها و مدارس تامین شود.

- از هر امکان علنی مثل شورای خوابگاه، تیم‌های ورزشی و برگزاری مسابقات، محافل تفریح و گردش در روزهای تعطیل و فعالیت‌های فرهنگی و هنری برای نودیکی و اتحاد دانشجویان و دانش آموزان و سالم کردن محیطهای آموزشی استفاده کنید. اجازه ندهید که مزدوران رژیم این فعالیتها را در انحصار و کنترل خود آورند.

- در مبارزه خلق برای آزادی فعالانه مشارکت کنید. به حمایت و همبستگی با مبارزه زندانیان سیاسی اقدام کنید. علیه استبداد و سرکوب کارگران، زحمتکشان، خلق‌ها و اقشار مختلف مردم در همه جا افشاکری و مبارزه کنید.

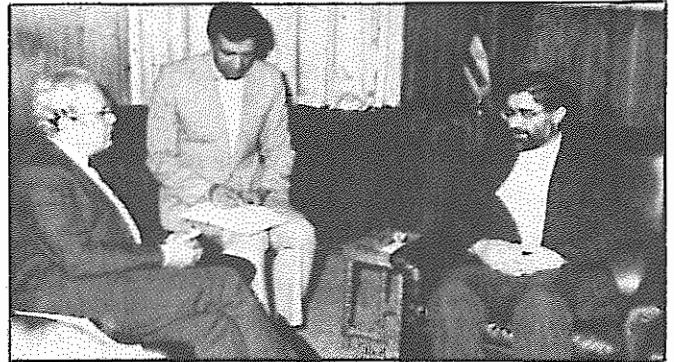
سال جدید راه سال گسترش اتحاد و مبارزه در دانشگاهها و مدارس و تشدید نبرد علیه جنگ و علیه رژیم خمینی بدل سازیم.

گسترده باد مبارزات انقلابی دانشجویان و دانش آموزان
مستحکم باد پیوند دانشجویان و دانش آموزان انقلابی با جنبش خلق
سرتکون باد رژیم جمهوری اسلامی

کمیته مرکزی سازمان جوانان پیشگام ایران

شهریور ۱۳۶۶

جنگ: بیلانی از روندهای تازه



تهران - دبیر کنگ سازمان ملل متحد در ملاقات با نخست وزیر رژیم خمینی

بقیه از صفحه اول

مانه‌بود. "ظاهر اسرار حکومت بر اساس همین موضع با دبیر کنگ سازمان ملل مذاکره کرده‌اند. پس از مذاکره با پرزید و کوشیار آنچه که در رسانه‌های گروهی جمهوری اسلامی انتشار یافت اصرار اسرار رژیم بر "معرفی متجاوز" به عنوان شرط برقراری آتش بس است. در این مورد که رژیم به طور مشخص با فرمولهای پیشنهادی پرزید و کوشیار چه برخوردی داشته است، هنوز خبر روشنی انتشار نیافته است. اظهارات مقامات رژیم تنها حاکی از این نکته‌اند که مهمترین گره مذاکرات قضیه "معرفی متجاوز" است.

خاویر پرزید و کوشیار در بغداد، مشکلات تهران را داشت. عراق قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت را می‌پذیرد و از انتطاف دیپلماتیک بیشتری برخوردار است. رژیم عراق پس از سفر پرزید و کوشیار به بغداد اعلام کرد اگر تهران قطعنامه ۵۹۸ را نپذیرد، باید آماده جنگ تلافی جویانه حادی باشد.

سفر دبیر کنگ سازمان ملل متحد به تهران و بغداد، تاکنون مهمترین فراز فاز جدید جنگ - که مشخصه آن برجسته شدن فشار بین‌المللی است - بوده است. مادر شماره ۱۷۲ نشریه نوشتیم که روندهای جدید در جنگ در گذر از میانه راهند و در آستانه سفر پرزید و کوشیار به تهران گفتیم این سفر شاخص گذر از میانه راه است. اکنون می‌توان بیلانی تقریبی از روندهای تازه به دست داد و از این بیلان برای ترسیم خطوط اصلی چشم انداز آینده - که بهر حال سایه روشن‌های آن مهم است - بهره جست.

در دوره کنونی باید ناتوانی و درماندگی رژیم برای پیشبرد جنگ - بهمان صورتی که تاکنون جریان داشته

خواهد شد بیانه، در هفته‌های آتی میسر تر باشد. مجمع عمومی سازمان ملل هم اکنون تشکیل شده است و در درون و حول و حوش آن مذاکرات مهمی صورت خواهد گرفت.

می‌توان بر آینده با خط کشیدن بر روی چشم اندازهای بلاواسطه غیرممکن پرتو افکند. چشم انداز تداوم جنگ در سال هشتم، بهمان صورت هفتمین سال جنگ، چشم اندازی کاملاً غیرمحمتم است. رژیم برای پیشبرد جنگ به صورت سابق ناتوان و درمانده گشته است. چشم انداز صلح کامل و یکپاره نیز چشم انداز مردودی است. رژیم باید دست آویزهایی داشته باشد که خود را با سروصدا پیروز بنامد و به علاوه نیروی ماند دستگاه ایدئولوژیک و دستگاه سرکوب حکومت در تضاد با چشم انداز صلح فوری کامل قرار می‌گیرد. برای پیشبرد جنگ ناتوانند، اما با خواست و وعده فتح کرپلا چه باید کرد؟ دست کم باید خود را پیروز کامل قلمداد کرد یا نه؟ با آیات جنگ طلبانه نوشته پرزید و کوشیار چه باید کرد؟ به بسیجی و پاسدار چه باید گفت؟ مهمتر از همه خود خمینی، چه

می‌اندیشد؟ و باز مهمتر از این مساله آیا مردم صلح را به مثابه یک شکست مهم رژیم چشمن خواهند گرفت؟ بی‌گمان مردم چنین خواهند کرد.

بنابر این دو چشم انداز افراطی صلح کامل یکپاره و یا جنگ کامل را می‌توانیم از حیثه ممکنات واقعی کنار بگذاریم. می‌ماند اشکال بینابینی، متمایل به قطب جنگ و یا متمایل به قطب صلح. روندهای تازه تاکنون با جهت حرکت به سمت قطب صلح جریان داشته‌اند. با رژیم چرخش و ریزش‌هاک بعید نیست. همچنانکه از آغاز تشخص یافتن روندهای تازه از اوایل تابستان امسال، شاهد ریزش‌هاکهایی بوده‌ایم. در مورد آینده هنوز صرفاً تا این حد می‌توان با قطعیت سخن گفت.

بر مبنای بحث بالا ما بیلان روندهای تازه را مثبت ارزیابی می‌کنیم. رژیم درمانده است و اکنون مبارزه علیه جنگ را باید پیش از هر هنگام دیگری شدت بخشید. باید خوش‌بینانه و رزم‌جویانه به سوی آینده‌ای کام برداریم که در آن تحقق صلح را به مثابه یک شکست رژیم، چشمن خواهیم گرفت. ●



مرک ویرانی و آوارگی ارمنان جنگ، دوررژیم جنایتکار ایران و عراق

دیدار روزی خارجه لجز ابر و سوریه از تهران

دادن به جنگ ایران و عراق به کار بست. یک روز پس از عزیمت طالب ابراهیمی به الجزایر، وزیر امور خارجه سوریه برای دیدار با مسئولان جمهوری اسلامی وارد تهران شد. وی در اولین روز اقامت خود در تهران با ولایتی به گفتگو نشست.

همزمان با حضور فاروق الشرع در تهران، مجلس شورای اسلامی، لایحه تحویل یک میلیون تن نفت مجانی به سوریه را تصویب کرد.

روز یکشنبه ۲۹ شهریور (۲۰ سپتامبر) طالب ابراهیمی و فاروق الشرع، همراه با ۱۹ تن دیگر از وزرای خارجه کشورهای عضو اتحادیه عرب در تونس گردهم می‌آیند تا ادامه روابط دیپلماتیک خود با جمهوری اسلامی را مورد بررسی قرار دهند. این تصمیم در اجلاس روز بیست و پنجم اوت اتخاذ شد. در این اجلاس وزرای خارجه اتحادیه عرب به جمهوری اسلامی تا روز بیستم سپتامبر برای پاسخ به قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل فرصت دادند.

احمد طالب ابراهیمی وزیر امور خارجه الجزایر روز چهارشنبه ۲۵ شهریور بعد از پایان دیدار دو روزه خود از ایران، تهران را به قصد الجزیره ترک کرد. طالب ابراهیمی حامل پیام شاذلی بن جدید رئیس جمهور الجزایر برای خامنه‌ای بود. وزیر خارجه الجزایر طی دو روز اقامت خود در تهران، با رفسنجان رئیس مجلس، موسوی نخست وزیر، ولایتی وزیر امور خارجه و خامنه‌ای رئیس جمهور ملاقات و مذاکره کرد. موضوعات مورد گفتگو جنگ ایران و عراق، قطعنامه اخیر شورای امنیت، مسئله فلسطین و لبنان و برخی مسایل اقتصادی، اعلام شد. رادیو جمهوری اسلامی روز جمعه طی تفسیری اعلام نمود طبق توافقهای حاصله در تهران، به زودی بهزاد نجوی وزیر صنایع سنگین جهت آغاز کار کمیسیون اقتصادی الجزایر و ایران راهی الجزیره خواهد شد.

پس از کشته شدن بن‌یحیی وزیر امور خارجه پیشین الجزایر که هفت سال پیش به هنگام سفر وی به ایران صورت گرفت، این مهم‌ترین دیدار یک مقام بلند پایه الجزایری از تهران است. در آن زمان الجزایر تلاش زیادی برای میانجیگری و پایان

بمباران شهرها و تاسیسات صنعتی

هفته گذشته ساعتی پس از عزیمت خاوربیرز و دکوئیاری از بغداد، جمهوری اسلامی ۲۱ کلوله خمپاره به سوی بصره شلیک کرد. از سوی جمهوری اسلامی ادعا شد که کلوله پاران بصره به تلافی حملات روز دوشنبه ۲۲ شهریور عراق به شهرهای مردشت، آبادان و خرمشهر صورت گرفتند. مطابق گزارش رادیوی جمهوری اسلامی بر اثر این حملات ۲ تن کشته و ۱۴ تن مجروح شدند.

بدین ترتیب دور جدید عملیات تلافی جویانه با بمباران هوایی و کلوله پاران شهرها آغاز شد. در خوزستان روز چهارشنبه ۲۵ شهریور چندین واحد صنعتی هدف اصابت موشک جنگنده‌های عراق قرار گرفت. رادیوی جمهوری اسلامی درباره حملات هوایی عراق تنها به عملیات روز چهارشنبه هوایمهای عراقی اشاره کرد. در این روز آغاچاری و اصفهان هدف بمباران هوایی واقع شدند. روز پنجشنبه از طرف ستاد تهللیفات جنگ اطلاعاتی صادر شد و اعلام گردید مناطق نظامی اقتصاد عراق از ساعات آینده زیر آتش قرار خواهند گرفت. به دنبال انتشار این اطلاعیه کلوله پاران تاسیسات اقتصادی بندر ام‌القصر، برق الحارثه و راههای منتهی به شهر بصره از سر گرفته شد.

روز جمعه ۲۷ شهریور پایانه نفتی خارک بمباران شد. در سمت شرقی این جزیره دو حوزة نفتی اردشیر و بهرگان به شدت آسیب دیدند. جمهوری اسلامی ضمن تایید خبر حمله هواپیماهای عراقی به جزیره خارک خبر حمله تلافی جویانه هواپیماهای ایرانی به تاسیسات نفتی کرکوک را اعلام داشت.

حملات متقابل روز شنبه ۲۸ شهریور نیز ادامه یافت، رادیوی جمهوری اسلامی در اخبار نیمروزی خبر بمباران دو واحد صنعتی در لرستان و کشته و مجروح شدن تعدادی از کارگران آن را انتشار داد.

جنگ در عرصه زمین و دریا نیز به طور محدود جریان داشت. روز شنبه ۲۸ شهریور یک کشتی قبرسی توسط نیروهای عراقی مورد حمله قرار گرفت، پیش از آن جمهوری اسلامی مدعی شده بود حملات دریایی عراق رادر خور عبدالله خفنی کرده است. یک سخنگوی نظامی عراق روز چهارشنبه ۲۵ شهریور تهدید کرد چنانچه ایران قطعنامه سازمان ملل را نپذیرد، عراق تمام شهرهای ایران را با خاک یکسان خواهد کرد. وی تاکید کرد نیروی هوایی عراق آماده است به هر شهر ایران با صدها هواپیما حمله کند.

ژاپن خواستار بر داحت حق بیمه تاسیسات پتروشیمی پند رخمبئی است

گزارشهای منتشره در مطبوعات ژاپن حاکی است که تاسیسات پتروشیمی بندر خمبئی در جریان حملات هوایی جنگنده‌های عراقی به شدت آسیب دیده است. در این گزارش‌ها به میزان وایجاد خسارات وارده بر این واحد صنعتی اشاره‌ای شده است اما واکنش مسئولان شرکت توسعه شیمی ایران که یک شرکت ژاپنی است، بیانگر اهمیت رخداد است. مدیر عامل شرکت مجری پروژه تاسیسات پتروشیمی خمبئی به دنبال انتشار خبر بمباران آن در یک کنفرانس مطبوعاتی شرکت کرد و به سؤالات خبرنگاران پاسخ گفت.

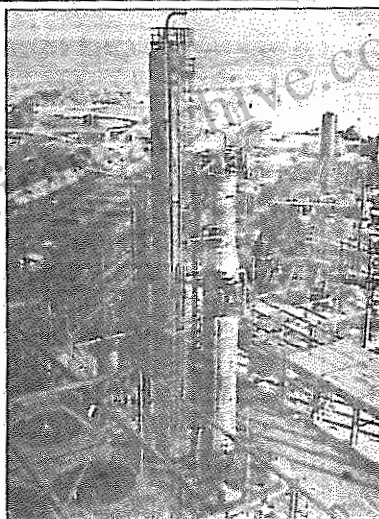
وی خبر بمباران تاسیسات پتروشیمی را تایید کرد ولی متذکر شد که کارشناسان این شرکت از سال ۸۵ به اینطرف از پروژه بازدید نکرده‌اند. مدیر عامل شرکت اظهار کرد شرکت برای دریافت حق بیمه خود از بابت بمباران واحد صنعتی که به ۱۲۵ میلیاردین ژاپن بالغ می‌شود اقدام خواهد نمود.

او اعلام نمود اقدام برای دریافت حق بیمه به معنی لغو قرار داد و خروج از پروژه پتروشیمی نیست و منظور شرکت وی تنها تاکید بر یک حق قانونی شرکت است.

شرکت توسعه شیمی ایران به انحصار میتسوبشی ژاپن وابسته است.

مطابق گزارش هفته نامه اقتصادی "مید" جمع کن سرمایه گذاری شرکتی ژاپنی در مجتمع پتروشیمی به حدود دو میلیارد دلار برآورد شده است.

ژاپنی‌ها حدود سه سال قبل به علت ادامه حملات جنگنده‌های عراقی به تاسیسات در حال احداث مجتمع پتروشیمی از ادامه کار خودداری کردند. برخی ارزیابی‌ها حاکی از آن است که حملات هواپیماهای عراقی به این تاسیسات نیمه تمام حدود نهم میلیارد دلار خسارت وارد آورده است. مجتمع پتروشیمی طی سه سال گذشته چندین بار مورد حمله هواپیماهای عراقی قرار گرفته است.



مجتمع پتروشیمی

اعلام نتایج کنکور سراسری کشور

علاوه بر سهمیه ویژه خانواده شهدا که قبلا اعلام شده بود، در هر یک از رشته‌های اعلام شده در دفترچه‌ها ۵ درصد دیگر نیز برای این افراد در نظر گرفته شده است.

۶۲ هزار پذیرفته شده مرحله علمی در مرحله دوم به نصف تقلیل خواهد یافت این عده کسانی هستند که باید از هفت خوان تحقیق بگذرند. سال گذشته تنها در رشته پزشکی ۲۲ درصد مردود اخلاقی اعلام شد. ۸۰ هزار نفر از پذیرفته شدگان سال گذشته نیز سهمیه بسیج بودند. امسال ۲۰ هزار بسیجی در کنکور شرکت کردند و رژیم به آنها رعد داد در صورت حضور ۶ ماه متوالی و با ۹ ماه متناوب در جبهه در اولویت ورود به دانشگاه قرار خواهند گرفت.

میرشمسی مدیر کن گزینش دانشجویی وزارت فرهنگ و آموزش عالی طی مصاحبه‌ای مطبوعاتی در روز هفتم شهریور، جزئیاتی از وضعیت قبولی شرکت کنندگان در کنکور و زمان اعلام نتایج نهایی کنکور ارایه داد. وی گفت از ۶۲ هزار پذیرفته شدگان علمی حدود ۱۸ هزار نفر آنها از دختران و بقیه را پسران تشکیل می‌دهند که از میان آنها، معادل کن ظرفیتهای اعلام شده در دفترچه‌ها که حدود ۲۶ هزار نفر خواهد بود به عنوان پذیرفته شدگان نهایی معرفی خواهند شد. میرشمسی گفت لیست نهایی پذیرفته شدگان احتمالا اوایل مهرماه سال جاری به اطلاع داوطلبین خواهد رسید.

وی در مورد سهمیه نهادها و ارگانها توضیح داد:

سیاسی بین المللی" را نیز به نفع خود تشخیص می داد. بنابراین این در حملات دی ماه سال گذشته به زعم رژیم اوضاع از هر نظر بیرونی مراد بود و به همین دلیل است که ما "کربلاها" را به مثابه یک شاخص در نظر می گیریم و باز به همین دلیل است که دوره فعلی را دوره پیش از کربلاها، نام می نهم.

عشق در ماندگی

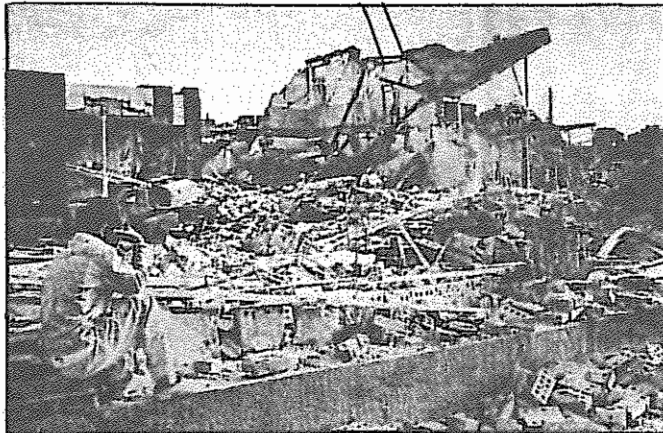
درست در همانجایی که تواناییها به نمایش گذاشته می شود، ناتوانیهایی نیز رخ می نمایند. رژیم در کربلاها از حداکثر قدرت رژیم خود بهره گرفت و نشان داد که در شکستن بن بست جنگ به لحاظ نظامی، تاچه حدناتوان و درمانده است. رژیم قادر به تکرار کربلاها نیست. باز هم کرشید، اما نتوانست.

پس از کربلاها نیز رژیم به بسیج نیرو ادامه داد و همزمان دست به عملیات محدودی همچون فتح ۶ و نصر ۳ و ۴ در جبهه شمالی زد. در این فاصله بعضا خطر از سرگیری جنگ شهرها نیز برچسته شد. تبلیغات جنگی برای بسیج نیرو ادامه یافت و خمینی در روز ۸ خرداد در دیدار با سران حکومت به مناسبت عید فطر تاکید کرد که در بسیج جنگی نباید سستی صورت گیرد. او در این دیدار به شکل معنی داری گفت: "آنها که می گویند باید سازش کرد، آیا می فهمند که اگر سازش کنیم له می شویم؟" او همچنین افزود: "همه در جبهه در فعالیت باشند. هر روز که به تعویق افتد این قضیه مشکل تر می شود." قضیه به راستی مشکل تر شد، هم در بعد داخلی و هم در بعد خارجی. بسیج نیرو نتوانست کارساز شود. جنگ تأثیرات اجتماعی و اقتصادی خود را با شدتی بیش از گذشته عیان ساخت.

رژیم در آستانه عملیات کربلا، همان هنگام که از "نقشه جدید جنگی" سخن می گفت، "برنامه جدید بقیه در صفحه بعد



جنگ در هفتمین سال



روز ۱۹ دی ماه سال گذشته، جنگ شهرها که در مفهوم عام آن هیچگاه متوقف نبوده است، با شدت ویژه ای آغاز شد و ۶ هفته به طول انجامید. جمهوری اسلامی بصره را زیر آتش قرار داد، به سوی بغداد موشک پرتاب کرد و اعلام نمود که همه شهرهای عراق به استثنای ۴ شهر مذهبی، مورد حمله قرار خواهند گرفت. بنابراین آمار دولتی، عراق ۶۵ شهر ایران را چمعا ۲۲۶ بار بمباران کرد و ۲۸ بار مورد حمله موشکی قرار داد. در آمار دولتی تعداد کشته شدگان جنگ شهرها در ایران ۳۰۲۵ نفر و تعداد مجروحین ۱۱۱۵۰ نفر ذکر شد. این آمار از آمار واقعی فاصله زیادی داشتند و اگر کشتار فوجی کودکان و نوجوانان دربروچرد و میانه رادر نظر آوریم، در می یابیم که حتی آمار و ارقام واقعی، قادر نیستند عمق چنایتکاری طرفین را آنگونه که باید، بازتاب دهند.

"کربلاها" به مثابه یک شاخص

کربلاهای ۵ و ۶ و عملیات مکمل آنها پس از پیام اول فروردین ۶۵ خمینی و بسیج حداکثر نیرو به صورت راه اندازی لشکرهای "محمد و مهدی" صورت گرفت. این حملات حساس ترین نقطه جبهه را نشانه گرفته بودند. حساسیت جبهه شلمچه که روبرو بصره دارد تا حدی است که با قطعیت می توان گفت هرگونه تحولی در توازن نظامی طرفین درگیر، ضرورتا باید در این منطقه صورت گیرد. نکته مهم دیگر این است که طراحی عملیات کربلا در زمانی صورت گرفت، که هنوز ماجرای سفر مک فارلن به تهران رونشده بود. رژیم پارتی های کلان اسلحه دریافت کرده بود و به گفته رفسنجانی "چو

شدن برای کار بزرگی هستیم". یک ماه بعد مسئولین رژیم گفتند که ۱۰۰ هزار نفر را برای اعزام به جبهه آماده کرده اند. رفیق دوست، وزیر سپاه در آن هنگام گفت: "شرایط نظامی برای حمله آماده است و مجریان نظامی منتظر فرمان فرماندهی جنگ هستند". و ماه بعد فرمان حمله صادر شد. در ۲۰ پنج شنبه ۴ دی عملیات کربلا ۴ آغاز گردید. پیش از آغاز این حمله، هم اران مناطق مسکونی برای هفته های متعددی ادامه داشت. هر دو طرف می خ استند با حمله به مناطق مسکونی حملات، و ضد حملات قابل پیش بینی را به بورت پیش رس در آوردند و زمان کشتار رنگ را به جلو بیندازند. در اوج این حملات هاشمی رفسنجانی در مساسه ۱ کیهان هوایی ۱۹ آذرماه اعلام کرد: "ما به مردم اعلام کرده ایم که اسامال با وارد آوردن ضربات کاری به رژیم عراق، تکلیف جنگ را مشخص خواهیم کرد." "کربلاها" تکلیف جنگ را آنسان که رژیم می خواست، روشن نکردند، اما این موضوع را عیان ساختند که نهایت توان فقها برای پیش برد جنگ تا چه حد است.

هدف عملیات کربلا ۴ و ۵ گرفتن بصره و دست کم به محاصره در آوردن این دومین شهر عمده عراق بود. رفسنجانی در همان هنگام که این عملیات جریان داشت، در نماز جمعه ۲۶ دی تهران رجز خواند که "در اینجا سرنوشت نهایی جنگ تعیین می شود." اما کشتار بزرگ خود در چنبره سرنوشت عمومی جنگ، یعنی حالت بن بست، گرفتار ماند. هزاران نفر در اطراف دریاچه ماهی کشته شدند و ماشین جنگی به کل نشست. پس از آغاز حمله کربلا ۵ در

خمینی در آغاز سال ۶۵ گفت: "همه پرکنند جبهه ها را". و آنگاه همه مهره های حکومتی به حرکت درآمدند تا با شدت عملی "ده برابر" بیش از گذشته نوجوانان و جوانان را شکار کرده و به جبهه ها بفرستند. شکار گوشت دم توب را بدان نیت شدت بخشیدند که دامنه سرپازگیری "ده برابر" شود. فرمانده سپاه پاسداران در خردادماه سال گذشته گفت: "در سال جاری ده برابر سال گذشته و مجموعا بیش از یک میلیون نفر نیرو به جبهه اعزام خواهد شد." در همان هنگام نخست وزیر تاکید کرد: "امروز اقتصاد کشور بطور کامل در خدمت جنگ و متاثر از جنگ است." این سخنان همه در حاشیه و در تفسیر سخنان هاشمی رفسنجانی، در هنگام اعلام "استراتژی جدید جنگی" بود. رفسنجانی خطوط کلی این "استراتژی جدید" را در روز ۱۱ خرداد ۶۵ در سینما فرماندهان نواحی سپاه پاسداران اعلام کرد. وی پس از آنکه تلویحا نقشه جنگی عملیات خرد و ریز پس از حمله به فاورا پی حاصل خواند، تاکید کرد: "ما وارد مرحله جدیدی شدیم که به نظر می رسد باید نیروهای زیادی از خردم را تجهیز کنیم ... از ماه گذشته جذب نیروهای وظیفه را بیش از دو برابر کردیم. به علاوه شورای عالی دفاع تصویب کرد سرپازهایی که الان خدمت می کنند، دو ماه به خدمتشان افزوده شود."

بدین سان دیده می شود که پایه نقشه جنگی تازه، تبدیل جنگ به آن چیزی بود که زمانی کوبلژ، وزیر تبلیغات میتر، آنرا جنگ نام و تمام عیار نام نهاده بود. برای رژیم خمینی "بهره گیری از همه امکانات" و به عبارت دیگر حرکت به سمت جنگ نام، برهمنای این سه محور استوار بود. ۱- بسیج هر چه بیشتر نفرات ۲- بسیج همه امکانات اقتصادی تا حدی که به قول فرمانده سپاه "ولوبه تعطیل همه امور" منجر شود. ۳- به دست آوردن مقادیر هر چه بیشتر اسلحه از طریق رابطه مستقیمی که با آمریکا برقرار شده بود و از کانالهایی که از پیش وجود داشتند.

بسیج جنگی حول این سه محور تا پایان شهریور سال گذشته پیش رفت و در شروع هفتمین سال جنگ، مرحله به اجرا درآمدن نقشه جدید جنگی، آغاز گردید. با آغاز کاز، طبیعتا حالت بسیج جنگی نیز ادامه یافت.

کشتار بزرگ

در مهرماه سال گذشته، رفسنجانی اعلام کرد "در حال آماده

جنگ در هفتمین سال

بقیه از صفحه قبل

اقتصادی" خود را هم اعلام کرد. وزیر بازرگانی در تاریخ ۱۰ آذر در یک مصاحبه مطبوعاتی گفت: "جنگ هدف اول و محور اصلی برنامه جدید اقتصادی است." در این سخن، ظاهراً حرف تازه‌ای نبود چراکه جنگ در گذشته نیز محور بود. اما محور قرار دادن جنگ در برنامه اقتصادی به عنوان یک پدیده جدید تنها این معنی را داشت که فلاکت توده‌گیر تشدید خواهد شد، برتروم و بحران افزوده خواهد گردید و در کارخانه‌های بیشتری تخته خواهد شد. بر مبنای این برنامه جدید اقتصادی بود که بودجه ارزی وزارت صنایع از ۲۰/۸ درصد کل بودجه سال ۶۲ به ۲۰/۷۲ درصد کل بودجه سال ۶۵ تقلیل یافت. تقلیل بودجه وزارت صنایع بدان معنی بود که باید تعداد بیشتری از کارگران اخراج شوند. کپهان ۸ اردیبهشت ۶۶ تعداد کارگرانی که در سهمیه اخراجی‌های تازه سال ۶۶ قرار گرفته بودند، ۷۵۰ هزار نفر ذکر کرد.

در سال ۶۶ فلاکت توده‌گیر ابعاد وحشتناکی یافت. گرانی سر به فلک زد. رژیم به دست و پا افتاد و از ترس انفجارهای توده‌ای شیوه اتاق اصنافی مبارزه با گرانی زمان شاه را آنهم در قالبی قرون وسطایی، یعنی همراه با چوب و فلک، احیا کرد. "تعمیر حکومتی" یقه خرده‌فروشان را گرفت و کوشید چنین وانمود سازد که تنها مشتی بقال و عطار مسبب کمبود و گرانی هستند.

از آغاز سال جاری عامل فشار بین‌المللی بر روی جنگ با شتاب برجستگی یافت، در آغاز تابستان به کیفیت نوینی بدل شد، بر ناتوانی‌ها و درماندگی‌های رژیم در بعد داخلی، افزوده گشت و این ناتوانی‌ها و درماندگی‌ها را در سطح کیفی تازه‌ای به نمایش گذاشت. در این فاصله بخش مهمی از انرژی رژیم صرف درگیری‌های درون حکومتی شد. حزب جمهوری اسلامی منحل گردید و دعوای بر انتخابات مجلس آینده بالا گرفت. ظاهراً در زمینه سیاست جنگی وحدت کلمه برقرار بود. جنگ در نظام حکومتی حکم اصلی را دارد در کنار اصل ولایت فقیه. ظاهراً همه چنانچه به این هردو اصل اعتقاد دارند، اما همچنان که درگیری‌ها چماران را می‌لرزاند، امکان ندارد به جلسه شورای عالی دفاع نیز کشانده نشود.

عامل فشار بین‌المللی

ما در شماره ۱۷۰ نشریه اکثریت نوشتیم: "فشار بین‌المللی برای پایان گرفتن جنگ به نحوی سابقه‌ای تشدید شده است. همه مولفه‌های این فشار از یک جنس نیستند و نام بردن از آنها در زیر مقوله عام فشار بین‌المللی نباید اختلاف ماهوی آنها را از نظر دور سازد. باید دقیقاً بین نیروهایی که به راستی خواهان صلحند و نیروهایی که با شعار صلح تشنج دیگری را مکمل جنگ هفت ساله کرده‌اند، تمیز قابل شد. در عرصه بین‌المللی بر سر جنگ ایران و عراق مانع‌ها

مبنی جمع‌کن به منطقه فرستادند. اکنون تعداد کشتی‌های نظامی بیگانه در منطقه سربه ۶۰ فرود می‌زند که ۴۰ تانک آنها آمریکایی است. آمریکا در منطقه بیش از ۲۵۰۰۰ سرباز متمرکز کرده است.

آمریکا بر آن است که حضور خود را در منطقه نهادی کند. پنتاگون اکنون می‌کوشد در یکی از کشورهای عربی منطقه یک مقر ثابت فرماندهی جنگی مستقر سازد و کشتی‌های جنگی خود را برای همیشه در منطقه نگه دارد. جنگ ایران و عراق و برپاستر آن جنگ نفت‌کش‌ها، برای آمریکا پهنه‌ای بیش نیست. حضور آمریکا در منطقه نه



در سال هفتم خمینی خدمت‌پزوری به آمریکا کرد. جنگ طلیبی خمینی ناوگانهای آمریکا را به منطقه فراخواند. عکس یک ناو جنگی آمریکایی در خلیج فارس را نشان می‌دهد

مساله جهانی دیگری دو سیاست در مقابل هم ایستاده‌اند، سیاست نیروهای صلح و در راس آنها اتحاد شوروی و سیاست نیروهای جنگ طلب که امپریالیسم آمریکا در راس آنهاست. در اردوگاه امپریالیستی، ژاپن و برخی کشورهای دیگر بویژه آلمان فدرال، از زاویه منافع سرمایه‌های غارتگر خود دم از صلح می‌زنند.

آمریکاد در منطقه

در پایان سال گذشته آمریکا به کوبیت پیشنهاد کرد که حاضر است امر حراست از کشتی‌های تجاری کوبیتی را در خلیج فارس و تنگه هرمز برعهده گیرد. کوبیت بالاخره ضمن دادن برخی مأمورهای سیاسی این پیشنهاد را پذیرفت و بر فراز نفت‌کش‌های خود پرچم آمریکا را نصب کرد. آمریکا و پس از آمریکا، انگلیس، فرانسه و در این اواخر ایتالیا، هلند و بلژیک مداوم نیروی نظامی، کشتی جنگی و

در برابر تشنج طلیبی خمینی، بلکه مکمل آن است.

اوج گردن‌کشی جمهوری اسلامی در برابر آمریکا مانور مسخره شهادت در تنگه هرمز در روزهای ۱۲ تا ۱۶ مرداد بود. این مانور دقیقاً مورد استقبال آمریکا قرار گرفت و حکم مکمل "مانورهای ستاره درخشان ۸۷" در بحر احمر و خلیج عرب با شرکت آمریکا و متحدینش در منطقه را یافت.

از همان آغاز مشخص بود که سیاست جمهوری اسلامی در قبال تقویت حضور نظامی آمریکا در منطقه حزم و احتیاط است. رژیم لشکر "مدافعان خلیج فارس" را به راه انداخت، دروسانه‌های گروهی جاورچنحال کرد و اینهمه به لاییدن‌های سک‌جپوشی می‌مانست که از روی پشت‌پام به رهگذاران پارس می‌کند و در همانحال دم تکان می‌دهد.

رژیم و کشورهای عربی

رژیم اکنون در منطقه در انزوا

به سر می‌برد. رابطه با کوبیت و عربستان کاملاً خصمانه است. کوبیت به خاطر هدف قرار گرفتن کشتی‌های تجاریش از سوی جمهوری اسلامی، فغانش بلند شد و آمریکا را به کمک فراخواند. تیرگی رابطه جمهوری اسلامی با کوبیت تا حدی پیش رفت که رژیم در اواسط ماه جاری در جریان اوج گرفتن جنگ نفت‌کش‌ها، چهار موشک به سوی سواحل کوبیت شلیک کرد.

شائله مکه رابطه احتیاط‌آمیز تهران با ریاض را به رابطه‌ای پرتنش بدل ساخت. خمینی اعلام کرد که صدام اگر بخشودنی باشد، آل سعود بخشودنی نیست. عربستان در جریان کنفرانس اتحادیه عرب در تونس از رژیم خمینی تلافی گرفت. اجلاس اتحادیه عرب در اوایل شهریور، اگرچه نتوانست صف کشورهای عربی در برابر جمهوری اسلامی را یکپارچه سازد، اما به هماهنگی این کشورها در برابر رژیم خمینی کمک کرد. در جریان این اجلاس و پس از آن لیبی، خاصه پس از سفر ناگهانی وزیر خارجه این کشور به بغداد، از تهران فاصله گرفت و با این فاصله‌گیری رژیم را در جهان عرب منزوی‌تر ساخت. جمهوری اسلامی ماند و سوریه. اما سوریه نیز چندان برای رژیم قابل اتکا نیست. مجلس در مفتنه گذشته با تصویب لایحه تحویل یک میلیون تن نفت مجانی به سوریه، به این کشور باج داد. این باجدهی به هیچ‌رو چاره‌ساز انرژی رژیم در منطقه نیست.

تلاش‌های سازمان ملل

شورای امنیت سازمان ملل متحد از آغاز امسال تلاش برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق را در صدر برنامه‌های خود قرار داد. در اواخر اردیبهشت ماه شورای امنیت برای چندمین بار خواهان پایان یافتن جنگ شد. در جلسه ۲۹ تیر (۲۰ ژوئیه) شورای امنیت قطعنامه ۵۹۸ به تصویب رسید. بر مبنای این قطعنامه از طرفین خواسته شد به جنگ خاتمه دهند، در جبهه‌ها آتش بس فوری برقرار سازند، به پشت مرزهای بین‌المللی بازگردند، مبادله اسرا را آغاز کنند و برای رفع اختلافات در پشت میز مذاکره بکوشند.

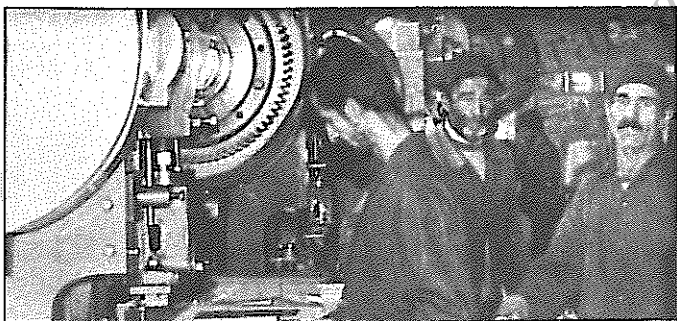
عراق بلافاصله قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفت، اما جمهوری اسلامی در تبلیغات داخلی آن را رد کرد و در اظهارات رسمی تأکید کرد که نه آن را رد می‌کند و نه می‌پذیرد. این برخورد مرددانه البته نه بدان دلیل بود که رژیم در تلاش برای پایان یافتن

کارگران، قربانیان اصلی جنگ

تولید برخی از صنایع کشور و به ویژه صنایع سنگین را به سمت تولید جنگ افزار تغییر داد. نظامی شدن برخی از صنایع، بهانه آن واقع شد که دولت عراق در سال گذشته سیاست بمباران مراکز و واحدهای صنعتی را بیش از پیش دنبال کند. در هفتمین سال جنگ، تعداد بی شماری از کارگران کشور قربانی بمبارانهای مکرر هوایی رژیم عراق شدند. بمباران مراکز بزرگ صنعتی و خسارات ناشی از آن بی آمد سیاست انتقال پدافندهای ضد هوایی اطراف کارخانه‌ها به چینه‌های جنگ و برخی مراکز مورد توجه رژیم بود. تعطیلی و فعالیت با ظرفیت محدود کارخانه‌ها باعث آن گردید که بسیاری از کارگران کشور، شغل خود را از دست بدهند. سیاست‌های اخراج گسترده کارگران توسط مدیریت صنایع مختلف و در هماهنگی کامل با دولت و وزارت کار اجرا گردید. اخراج کارگران در هفتمین سال جنگ، بصورت باز خریدهای اجباری، اخراجهای فردی و گروهی جامعه عمل

اقتصاد جنگ زده حاکم بر کشور بر همه اقشار و طبقات اجتماعی به یکسان و به یک طریق اثر نمی‌گذارد. اقتصاد جنگ زده در مجموع بافت اقتصادی کشور، تأثیری دوگانه دارد. عملکرد و کنش این اقتصاد بیش از پیش بر شکاف طبقاتی جامعه ایران اثر می‌نهد. می‌توان به صراحت گفت که جنگ به مثابه یکی از عوامل اصلی و شدید بحران اقتصادی کشور، در عین آنکه باعث انباشت بی سابقه ثروت در دست بخشی از سرمایه داران کشور گردیده است، موجبات خانه خرابی و سیه روزی - تمامی حقوق بگیران ثابت و به ویژه کارگران را فراهم آورده است. اگر به مجموعه تأثیرات اقتصادی جنگ توجه داشته باشیم، می‌توان بیکسان بر این حقیقت پای فشرد که کارگران قربانیان اصلی جنگ بحساب می‌آیند.

در بی‌پرویز بحران حاد ارزی، رژیم که ناگزیر بود برای خرید جنگ افزار، وجوه ارزی کلانش را هزینه کند به سیاست صرفه جویی اکید ارزی در دیگر بخشهای اقتصادی و



به ویژه در صنایع روی آورد. سیاست اقتصادی رژیم موجب آن گردید که بسیاری از صنایع کشور به حالت تعطیل درآمده و برخی دیگر از صنایع با ظرفیتی به مراتب کمتر از قبل، به تولید بپردازند. رژیم صنایع کشور را به دو دسته، صنایع ارزش و صنایع کاربر تقسیم کرد. بخش عمده‌ای از صنایع سنگین کشور که از جمله صنایع ارزش بر حساب می‌آیند تعطیل شدند و یا در نوع تولید آن‌ها تجدید نظریه عمل آمد. دیگر صنایع کشور که نیاز به مواد اولیه و لوازم یدکی و ماشین آلات داشتند نیز به شدت صدمه دیدند. میزان ارز اختصاصی به وزارت صنایع سنگین به یک دهم ارز مورد نیاز کارخانه‌های زیر پوشش این وزارتخانه کاهش یافت و همچنین تنها یک ششم ارز مورد نیاز وزارت صنایع تامین شد. رژیم از سوی دیگر خطوط

پوشید. این در حالی بود که پناه به نتایج سرشماری عمری نفوس و مسکن، همه ساله نیم میلیون نفر بر تعداد بیکاران کشور افزوده می‌گردد. بیکاری فزاینده و اخراجهای گسترده، به تنهایی قادر نخواهند بود که اوچ فشارهای اقتصادی وارده به کارگران را توضیح دهند. بلکه تورم لجام گسیخته نیز موجبات سیه روزی کارگران - اعم از بیکار و یا شاغل - را فراهم آوردند. قدرت خرید کارگران در هفتمین سال جنگ، در مقام مقایسه با سالین قبل پشودت کاهش یافت. در حالی که پهای کالاها پشودت در حال افزایش است ولی مسئولین مملکتی با بهانه جلوگیری از تشدید تورم، از افزایش دستمزد کارگران تن می‌زنند. دستمزد کارگران ساده از سوی وزارت کار ۷۶ تومان در روز اعلام شده است.

بصره و کربلا و بغداد پایه‌ای پیش نیست. رژیم باز کوشید کربلاها را تکرار کند، اما نتوانست. درماندگی رژیم بیش از هر هنگام دیگری به جلوه درآمد.

* دوره سوم، دوره جنگ در فاز بین المللی - در این دوره که مشخصاً از اوایل تابستان امسال آغاز می‌شود، فشار بین المللی بر روی جنگ فزونی گرفت و از یک تأثیر کیفی برخوردار شد. این فشار بر فشارهای داخلی - اجتماعی و اقتصادی - و درماندگی نظامی افزوده گشت و به ناتوانی رژیم چنان باری داد که اکنون می‌بایست عزیمتگاه هر تحلیلی از وضعیت جدید قرار گیرد.

بنابر این ما در آستانه سال هشتم جنگ با فضای کیفیتاً متفاوتی از وضعیت سال گذشته مواجه هستیم. این جوهره جمع بند ما از رویدادهای سال هفتم جنگ است. در همینجا طبیعتاً این پرسش مطرح می‌شود که چه خواهد شد؟ یک چیز مشخص است، سال هفتم، کمابیش همچون سال ششم بود و سال ششم همچون سال پیش از آن. اما سال هشتم، سال هفتم نخواهد بود، پس چه خواهد بود؟ در این سال چه خواهد شد؟

مادر مقاله "جنگ، جنگ، بیبلائی از روندهای تازه" مندرج در همین شماره نشریه کوشیده ایم تا حد امکان به برش "چه خواهد شد؟" پاسخ گوییم و دست کم جوانب آن را پانز کنیم.



جنگ عناصر مثبتی می‌دید. این برخورد به روشنی حکایت از آن داشت که رژیم در برابر فشار بین المللی درمانده گشته است، می‌کوشد سر بدهد و وقت گذرانی کند.

روند تازه

جنگ از اوایل تابستان امسال وارد روند تازه‌ای شد که مهمترین مشخصه آن برجسته بودن عامل بین المللی است. با قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت چشم انداز مساعدتری در برابر این روند گشوده شد. باروشن شدن ناتوانی‌ها و درماندگی‌های رژیم، واژه صلح بار ملموس تر و برطنین تری یافت. در روند تازه تنها افکار عمومی بین المللی علیه رژیم

بسیج شد. فشار بین المللی جلوه‌های سیاسی و اقتصادی نیز پیدا کرد و در عرصه جهانی مدام سخن از تحریم تسلیحاتی جمهوری اسلامی به میان آمد. فشار سازمان ملل، انزوای بین المللی، صف آرابی‌های منطقه، همه و همه رژیم را در تنگنا قرار دادند. رژیم بازم تقلا زد و بازم تقلا می‌زند. خمینی سال ۶۶ را نیز سال جنگ اعلام کرده بود و در روز ۲۵ فروردین در آستانه به جلوه درآمدن عناصر عمده دخیل در روند تازه، بانگ برداشته بود که "جنگ ممکن نیست پایان باید". جنگ ممکن نیست پایان باید، اما عرصه بر جنگ طلبان می‌تواند آسان تنگ شود، که توان جنگاوری آنان رو به پایان نهد.

جمع بند

سال هفتم جنگ را می‌توانیم به سه دوره تقسیم کنیم،

* دوره اول، دوره بسیج جنگی - در این دوره رژیم امید داشت که با استفاده از حداکثر بسیج جنگی در چینه ناحیه بصره یک ضربه کاری بر عراق وارد سازد. رژیم همه توان خود را به کار گرفت و بر پایه استراتژی جنگ تمام عیار، کربلاهای ۴ و ۵ و ۶ را طرح ریوی کرد.

* دوره دوم، دوره پس از کربلا - کربلاها نشان دادند که جنگ راه حل نظامی ندارد و داعیه فتح

مدارس به یادگانه‌های نظامی تبدیل شده‌اند

بقیه از صفحه آخر

تداوم عملیات "لشکریان محمد" پیچ شده بودند با سلاح و مهمات خود در بااتلاقیهای جنگ به کن نشستند. دهها هزار تن کشته شدند و بجز معدودی بقیه بازماندگان، اسیر، معلول و مفقود الاثر گردیدند.

به گفته کتیرایی معاونت جنگ آموزش و پرورش ۶۵ درصد "سپاهیان مهدی" و ۷۵ درصد لشکریان هلاک شده "محمد" را دانش آموزان تشکیل می دادند. به تاکید وی، "در سالهای اخیر سالیانه حدود ۱۲۰ هزار نیرو از فرهنگیان و دانش آموزان به جبهه‌ها اعزام شده‌اند." این آمار اگر چه به عمد، کمتر از ارقام ارائه شده از سوی اکرمی وزیر آموزش و پرورش ذکر شده است، خود بیانگر چگونگی جنگ طلبی و سهولت رژیسی است که تاکنون صدها هزار جوان کشور را به کام عقربت مرگ و نیستی سپرده است.

ساختن در شعله‌های جنگ کثیف خمینی و صدام حسین تنها به جبهه محدود نبوده و نیست. در دوقلمین سال جنگ، مرگ در هیات هواپیما بر آسمان هر مدرسه و محله‌ای از شهرهای کشورمان در کمین بوده است. در فاصله دی تا اواسط بهمن‌ماه، هواپیماهای عراقی به تلافی اقدامات جمهوری اسلامی، مراکز مسکونی کشورمان را مورد یورش وحشیانه قرار دادند. در این حملات مراکز تجمع مردم بویژه مدارس و بیمارستانها آماج اصلی بودند. در این بمبارانها مدارس تهران، بروجرد، میانه، باختران، ارومیه، تبریز، ایلام، سردشت، دزفول، قم و ... مورد اصابت قرار گرفتند. در ارومیه ۶ مدرسه دخترانه و پسرانه هر یک با بیش از ۱۰۰۰ دانش آموز از نژادیک، به رگبار مسلسل پسته شدند. در یک مورد بمباران ۶۵ تن در بروجرد، ۶۸ نفر در میانه، ۲۶ نفر در ایلام غرقه به خون گردیدند. خود رژیم در همان زمان بمباران ۹ مدرسه و دانشگاههای ملی و تبریز را تایید کرد.

با بمباران شهرها، مدارس تعطیل و فعالیت آموزشی متوقف گردید. تلاش رژیم برای بازگرداندن دانش آموزان به مدارس برای عادی جلوه دادن اوضاع و برپایی نمایش تبلیغی موثر نبود. در برخی شهرها، از جمله ماهشهر، سرپندر و اردبیل دانش آموزان در مقابل یافشاری مسئولان برای ماندن در

مدرسه، دست به تظاهرات زدند. رژیم خمینی در کشتار فجیع دانش آموزان و عزاداری مردم به دنبال جای‌یابی برای تبلیغ و ترویج جنگ طلبی خود بود. از همان زمان زمره راه اندازی لشکر جدید "صاحب الزمان" آغاز شد. نیروهایی که با عنوان لشکریان صاحب الزمان گرد آوردند در شیمه اردیبهشت روانه جبهه گردیدند.

بهبودی فجاج فوق، تبدیل مدارس به یادگان نظامی نیز بیکرانه دنبال شد. تا اسفندماه اقدامات متعددی در برخی مناطق صورت گرفت و اجرای طرح آموزش نظامی دانش آموزان آغاز شد. اکرمی در شهم اسفند ماه سال گذشته برنامه‌های وسیع جمهوری اسلامی را برای گسترش طرح نظامی کردن مدارس در سال تحصیلی ۶۷-۶۶ اعلام داشت. همزمان با آن عوامل رژیم در قم خواستار برپایی گردانهای انتقام دانش آموزان، برای اعزام به جبهه‌ها شدند. و رژیم آموزش و پرورش آغاز "برگزاری مسابقات فرهنگی آمادگی جسمانی دانش آموزان" را اعلام کرد. هدف، آماده ساختن دانش آموزان برای رفتن روی میادین مین و سایر عملیات انتحاری بود.

چند روز بعد، روز سیزدهم اسفند مسئول ستاد پشتیبانی جنگ، وزارت آموزش و پرورش اطلاع داد در مدارس "سازمان رزمی" ایجاد خواهد شد. این طرح تا اواسط اسفند ماه در مدارس استانهای زنجان، اصفهان، یزد و شهر اراک به صورت آزمایشی به اجرا گذاشته شد. مطابق این طرح، در اصفهان دبیرستان "شهادت ادب" در مجموع تشکیل یک تیپ پشتیبانی برای لشکر امام حسین را می‌دهد که دارای گردان‌ها و گروهانهای جداگانه است. آموزش نظامی و صبح گاه هر روز به مدت نیم ساعت انجام می‌شود و این علاوه بر ساعات درس نظامی است. همین روش از آغاز سال تحصیلی جاری در مدارس سراسر کشور اجرا خواهد شد. اکرمی وزیر آموزش و پرورش تاکید داشت با اجرای این طرح، دانش آموزان با لباس نظامی در کلاس حاضر شوند.

گسترش نفرت و انزجار عمومی از رژیم و بویژه ارگانهای سرکوبگر آن به جایی رسید که کمتر مشمول

وظیفه‌ای حاضر است در سپاه دوران خدمت سربازی خود را طی کند. در مدارس نیز انجمن‌های اسلامی هر چه بیشتر منفور و منزوی شدند. سپاه پاسداران برای راهیابی از این وضع طرح چنایتکارانه پاسدار-دانش آموز را به راه انداخت تا هم کادر مورد نیاز خود را تامین کند و هم "چشم و گوش"هایی را برای تحت نظر قرار دادن دانش آموزان فراهم آورد. به کسانی که به این طرح می‌پیوستند ماهیانه تا ۱ ریال و به چهارنفر از افراد تحت تکلف آنها ماهیانه ۵۰۰۰ ریال تعلق می‌گیرد. برای دوران فارغ التحصیلی نیز تسهیلات دیگری منظور شده است. راه انداختن این طرح چنایتکارانه که بر زمینه نیازهای مادی و فقر صورت گرفته است جلوه‌ای از مخالفت مردم با رژیم و بیاوه بودن هیاهوی تبلیغاتی "پسپج‌های داوطلبانه" آن است.

رژیم صریحا اعلام کرده است در دانشگاهها جایی برای مخالفین جنگ وجود ندارد. فرهادی وزیر فرهنگ و آموزش عالی روز ۱۲ آذر در نشست با معاونان و کارشناسان دانشگاههای کشور نسبت به افزایش سهمیه ارگانهای نظامی تاکید کرد و اعلام نمود "من به عنوان وزیر فرهنگ و آموزش عالی اعتقاد دارم صد درصد ظرفیت دانشگاهها باید از میان کسانی باشد که جبهه و جنگ را دیده و ایمان و اعتقاد خود را به اسلام عمل نشان داده باشند."

به اعتبار همین مواضع سال گذشته باز هم بر تعداد ارگانهای سرکوبگر صاحب سهمیه و مجموع سهمیه ارگانهای وابسته به رژیم افزوده شد. در سال تحصیلی گذشته قریب به ۴۰ درصد ظرفیت ۴۵ هزار نفری دانشگاهها، به ارگانهای حکومتی اختصاص یافت. ۱۸ هزار تن از این عده پسپیج‌هایی بودند که در ازای ۲ ماه حضور متوالی و ۹ ماه شرکت متناوب در عملیات وارد دانشگاه شدند. برعکس، بر سر راه سایر داوطلبان موانع جدیدی ایجاد گردید. منابع تحقیق از ۴ منبع به ۶ منبع افزایش یافت و در همه پرسشنامه‌های پذیرش این سؤال طرح گردید که:

سآبایه جبهه رفته‌اید؟

سه چه دلیل به جبهه رفته‌اید؟

سدرهمان برادران شما چند نفر به سن

مشمولیت رسیده‌اند؟

سه چه دلیل به جبهه رفته‌اند، الان چکار می‌کنند؟

سچند نفر از افراد خانواده با اقوام شما در جبهه کشته یا مفقود الاثر شده‌اند؟

در شش ماه گذشته بکیر و ببند مشولان غایب ادامه داشت. در این مدت پاسداران، ژاندارم‌ها و کمیته‌چی‌ها و سایر ارگانهای سرکوب بر دامنه فعالیت خود جهت شکار جوانان افزودند. در اعلامیه‌های منتشره از سوی این ارگانها، فراریان و پناهندهندگان به آنان به مجازاتهای سنگین تهدید شدند. کشتیهای مختلف در مرکز و شهرستانها مدام در جستجوی جوانان مشمول غایب و فراری بودند و هستند. در تهران بارها سرکوبگران سربازگیر رژیم در مراکز برفت و آمد شهر نظیر میدان انقلاب، بهارستان، توپخانه، حوالی بازار، امیریه، میدان آزادی و سایر محل‌های تجمع جوانان به کمین نشستند. چندین بار در جریان این گونه عملیات آدم ربایی علنی، میان مامورین و مشولان و شاهدان صحنه درگیری رخ داد. بررسی گزارش‌های یکساله نشان می‌دهد پاره‌ای از مشولان به هنگام فرار از دست مامورین و از یادگانهای آموزشی کشته شده‌اند. که نمونه‌هایی در شهرهای جهرم، اوز شیراز، طالقان، رشت و خیابان خاوران از آن جمله‌اند. در فروردین ماه برای کشاندن دانشجویان به مسلخ جنگ، طرح دانشگاه در جبهه ارایه شد. در این طرح برای دانشجویانی که سه ماه در جبهه حضور یابند تضمین قبولی داده شده است.

در آخرین نشست شورای پشتیبانی جنگ که هفته اول شهریور سال جاری برگزار شد، آموزش نظامی دانشجویان دانشگاه نیز به عنوان واحدهای درسی جدید که همه ملزم به گذراندن آن هستند، به تصویب رسید و به این ترتیب پای پاسداران مسلح رژیم به محیط آموزشی دانشجویان نیز پیش از پیش باز شد.

در سالی که گذشت مدت خدمت نظام وظیفه نیز از دو سال به ۳۰ ماه افزایش یافت. نظام وظیفه عمومی اعلام کرد که سربازان باید یکسال از مدت خدمت خود را با اجبار در منطقه عملیاتی بگذرانند و کسانی که از طرف شورای عالی دفاع و یا از نظر پزشکی مشمول خدمت غیر رزمی می‌شوند بایستی شش ماه بیشتر از دیگران خدمت کنند. معنی این تصمیم آن بود که حتی کسانی که خدمت ۲ ساله را سپر برده‌اند برای ۶ ماه دیگر در بیم و امید اعزام به جبهه به سر روند.

دهان گشاده مرگ



چندان از طلوع نگذاشته بود و سایه زندگی بسان خود زندگی، بی‌رمق و کم رنگ می‌نمود. همه راه که شاری بودند از جوانانی که آرزو تازه در دلشان به جوانه نشسته بود، بنام می‌خواندند و بر اتوبوس‌های وحشت می‌نشانند. بلندگوهای یادگان نوا می‌بندل ستایش مرگ و کشتار را تهوع می‌کردند. مامورین سیاسی و عقیدتی، روان و رخسار تازه واردان را سخت می‌کاویدند، تا مگر شئونات اسلامی از کژند "کج اندیشان" در امان ماند. در دوسوی شیشه‌های شیناک اتوبوس، چهره‌های ماتم زده ای یکدیگر را واری می‌کردند، چهره مادران، چهره پسران. تبسم به اجبار فروغلطیده به لبانشان، گن‌گن نگرانی دویده در چشمانشان را بی‌اثر نمی‌کرد. این آن تک لحظه‌ای بود که همه، بی‌گمان همه، به یک چیز می‌اندیشیدند، اندیشه‌ای سخت جانسوز، آیدادار مجددی در بین خواهد بود؟

* * *

همه، و بی‌گمان همه، چه آنان که به بدرقه آمده بودند چه آنان که مرگ انتظارشان را می‌کشید، بر کلاشه‌های دور و نزدیک چنگ می‌کشیدند، چرا که آئینه، تابلویی عیناک، پیش نمی‌توانست باشد. سادردهای زایش، این دردهای سخت و طاقت فرسا راه، دردهای شکن کبری شخصیت فرزندش را در دستان بهرنج آمیخته خود، تجربه کرده بود و اینک از اندیشیدن به سرانجام این زایش برخوردار می‌لرزید.

* * *

ارابه‌های "سیاهیان محمد" به راه افتادند. گلخنده‌های دروغین که معنایی در دناک را به شمر نشسته بودند، در آخرین مکان دیده، بر لبان فرو خشکیدند و رگبار اشک که در آنسوی چشمان خیمه زده بود، در گرفت. کاروان دور شد، نگاه اما بر راه خیره ماند. آیا ارابه‌ها باز خواهند گشت؟

* * *

اتوبوس پس از چند شمای خیاپانی، راه چاده‌های بیابانی را در پیش گرفت. گرد و خاک بر آمده، چون ابر تیره و تاری، بر دید قربانیان جدید، برده می‌کشید. رشته اندیشه راهیان چنگ را چیزی از هم نمی‌گست، گرچه اتوبوس را نوا نوحه‌های مذهبی نواری چند ز در چنبره گرفته بود. سکوت بر بیکر عده ای سایه افکنده بود و هیاموی آن دیگران، خورد نمادی از انبوه نگرانی بود که به جسم و جانشان سلطه داشت. آنچه که پیش از این جدی نبود، جدیت یافت و آنچه کم اهمیت جلوه می‌کرد، مهم شد. چه هر کس گذشته ای را، دفتر نانوخته خاطر آنتی را با خود به یکدک می‌کشید، حال آنکه آئینه در برابر آئینه‌شان علامت سؤال نهاده بود.

* * *

کنار پنجره نشسته بود، جوان و کم تجربه. اما آنچه را که به چشمان خویش دیده بود به خاطر سپرده بود. چشمانش هرگز به اودر و نگفته بودند و اونیز هرگز به فریب خویش، حقایق را دروغ ننمید. دریافته‌های اجتماعی اش را منطقی حکومت می‌کرد که با منطق شب پرستانه و خون آلوده رژیم مخوانی نداشت. با خود می‌اندیشید، به سرنوشتی که بدان گرفتار آمده بود، به آئینه‌ای که پرورد از آرزوهایش می‌گریخت. در خود چیزی چسته بود و چیز دیگری یافته بود. هیچگاه چون امروز، معنای واژه "اجبار" را در نیافته بود. درهای امکان جملگی فرو بسته، اما دهان گشاد مرگ گشاده، هر چه در انبان احساسش، امید به زنده ماندن، به پستو و نهانگاه می‌خزید، نفرت و افز چار در وجودش فرو می‌گرفت.

به چهره نوجوانی که در دیف چلویش نشسته بود، زل زد. به نوجوانی که شعله کشتن و کشته شدن در وجودش لهیب می‌کشید، به رخسار سراسر مسخ شده او به حال خود و افسوس خورد.

* * *

اتوبوس "سیاهیان محمد" آنگاه که مرز بازگشت به زندگی را در نور دید، از نفس افتاد. مرده‌واره ای فریاد بر آورد که سیاهیان تازه نفس رسیدند. شیدان با دهان به کف آمده، فرار رسیدند تا محسنت زندگی در آنسوی زندگی را در روان قربانیان جدید تازه از ره رسیده، فرو کنند. رخسار جوان از خشم بزبان نیامده اش به بغض نشست. دند آنها فشرده شد... راه بازگشتی در بین نبود.

* * *

شمایش تعلیمات نظامی پیش از حضور در جبهه، بر به درازا کشیده شد. سریالی از اطلاعات بی‌حاصل نظامی، و تکرار چند حرکت چنگی که هرگز در یک چنگ واقعی تکرار نخواهند شد. شب پرستان سیه چهره، به پروار کردن روح قربانیان چنگ شهره اند. تکرار افسانه‌های مذهبی، تحسین بایداری تانفس آخر، وعده‌های بهشتی که قرار است بر فراز ویرانه‌ها و کشته‌ها پنا شود. جوان با خود اندیشید، در چنگ، آنگاه فرماندهان، شجاعت و دل‌آوری را به تحسین می‌نشینند که

دست از چنگ افزار تپی باشد. جوان با خود زمزمه کرد، تبلیغ زندگی فراسوی زندگی، تبلیغ مرگ است.

* * *

روز تلافی محور مرگ و زندگی فرار سپید. دستور حمله و تصرف تپه ای را که ارتفاع استراتژیک می‌نامیدندش صادر شده بود. موعظه لاشخورانی که برای مرگ قربانیان جدید و برای کسب افتخار خوین، لحظه شماری می‌کردند، آغاز شد. فرماندهان که در جای امن به سنگر اطمینان نشسته بودند، برای سربازان نگون بخت، ردیف توصیه‌ها را بر می‌شماردند. جوان از آنانی که تا کنون زندگی‌شان را در کام مرگ پس انداز کرده بودند، شنیده بود که تصرف ارتفاع استراتژیک، اشغال تپه ای بی‌مصرف پیش نیست که با نخستین حمله هوایی دشمن از دست می‌رود. شنیده بود سخت بدان باور داشت.

* * *

شبا که از نیمه گذشت، زمان مرگ آئینه در حال، آغاز شد. تردیدها دور چندان گردید و بسیاری زندگی خود را به مرگ پیش فروش کردند. چند صد متر بود یا چند کیلومتر، هیچکس ندانست. فرماندهان و برادران که نه، سپاهیان در جلد شب فرورفتند. پیچ‌پیچ‌ها، زمزمه‌ها... رگبار، بوی خون و پارتو درهم آمیخت. به درختهای آرزو، خون لخته شد. کسانی که بر تپه فراز آمده بودند باز می‌گشتند و هر کس به سویی می‌دوید، صدای ناله انسان و چنگ افزار درهم گره خورده بود. چند دقیقه بود و با چند ساعت، کسی ندانست. سحرگاه... در کنار تپه استراتژیک، کشته‌ها تپه شده بودند.

* * *

کسی مرده‌ها را شماره نمی‌کرد، جز او، جوان بر گوشه ای از دیوار قرارگاه، چوب خط می‌زد. هر مرده، یک چوب خط.

* * *

شمار مردگان از شمار زندگان مدام پیشی می‌گرفت. جوان دیگر چوب خط نمی‌زد. مردگان را دیگر هیچکس شماره نمی‌کرد.

* * *

چند روز گذشت یا چند ماه، کسی نمی‌دانست. ارابه سیاهیان "لهیبک یا امام" رسید. مرده‌واره ای فریاد بر آورد که سیاهیان تازه نفس رسیدند. شیدان با دهان به کف آمده، فرار رسیدند تا محسنت زندگی در آنسوی زندگی را در روان قربانیان جدید تازه از ره رسیده، فرو کنند... رخسار جوان از خشم بزبان نیامده اش به بغض نشست، دند آنها فشرده شد... راه بازگشتی در بین نبود.

* * *

روز تلافی محور زندگی و مرگ فرار سپید. دستور حمله و تصرف تپه ای را، همان تپه ای را، که ارتفاع استراتژیک می‌نامیدندش صادر شده بود. موعظه لاشخوران... و توصیه‌های فرماندهان که در جای امن سنگر گرفته بودند...

* * *

جوان به اتاق فرمانده، برادری که شجاعت را تنها در دیگران تحسین می‌کرد، پانهاد. کلید را در قفل چرخاند. فرمانده مجال ناله نیافت و در خون در غلطید. برادری بر پشت در می‌کوبید. جوان تفنگش را بالا برد و تمثال امام را نشانه رفت. برقی آمیخته در فرورد چشمانش که پشت مگسک نشانه رفته بود، درخشیدن گرفت. ماشه را چکاند، شیشه قاب فروریخت و بر پیشانی امام حفره ای سیاه نشست. جوان از پنجره نیمه باز، غیث زد.

مروری بر اعتراضات بشریت ترقیخواه علیه تداوم جنگ ایران و عراق در سال گذشته

در سال گذشته محافل و مجامع بین المللی، احزاب، سازمانهای مترقی و نیز شخصیت های مبارز و صلحدوست کشورهای گوناگون جهان به مناسبت های مختلف، مخالفت خود را با ادامه جنگ ویرانگر ایران و عراق اعلام نموده و خواهان پایان دادن به این فاجعه هولناک شدند.

اعتراضات نیروهای مترقی و صلح دوست که مبارزات بیگرانه نیروهای پیشرو و انقلابی ایران منجمه سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در گسترش آنها نقش ارزنده ای ایفا نمود، بیان صریح نفرت و خشم عمومی افکار جهانیان از کشتار خلقهای ایران و عراق و انزوای فزاینده رژیم جنگ افروز خمینی است.

محورهای اصلی خواستهای جهانیان برای پایان دادن به جنگ عبارت بودند از:

- آتش بس فوری در جبهه ها
- احترام به تمامیت ارضی و عدم مداخله در امور داخلی دو کشور
- خروج نیروهای خارجی از خلیج فارس

در زیر چند نمونه برجسته از اعتراض جهانیان علیه تداوم جنگ ویرانگر ایران و عراق را که در شماره های متعدد نشریه اکثریت به چاپ رسیدند، مروری کنیم.

*** قطعنامه صلح "آمریکا، هربرت ایتنر عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست آمریکا، حقوقدان و محقق برجسته جنبش کارگری و کمونیستی آمریکا، آنجلادویس و مایکل مایرسون صدورشوای صلح آمریکائوئی چند از دیگر شخصیت های مترقی و صلحدوست و همچنین ۱۴ سازمان صلحدوست با صدور قطعنامه ای خواهان پایان دادن به جنگ ایران و عراق شدند. (اکثریت شماره ۱۲۷)**

*** گروهی صلح در اسپانیا، از سوی "کمیته اسپانیایی صلح میان ایران و عراق" با شرکت مارکوس کونا نماینده حزب کمونیست اسپانیا، این**

شورای امنیت خواستار قطع فوری جنگ ایران و عراق شد

هیئت نمایندگی جمهوری اسلامی از شرکت در جلسه شورای امنیت ۹مین کنگره جبهه ملی پدر وطن در ۱۱ عقده به دره است.

کنگره جهانی بمناسبت سال بین المللی «کنگره جهانی صلح»

هیاتی از سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در کنگره جهانی کینیاگ قطعنامه صلح صلحدوست آمریکاشوایان پایان دادن به جنگ ایران و عراق شد.

قطعنامه صلح خواستار فلاسهای بین المللی

تجداد شوروی خواستار فلاسهای بین المللی در کنگره جهانی صلح در یوگوسلاوی قطعنامه صلح خواستار پایان دادن به جنگ ایران و عراق

کنگره جهانی صلح

بیانیه هفت حزب هندوستان علیه ادامه جنگ ایران و عراق

مجموعین رئیس جنبش غیرمتعهدها نگرانی عمیق این جنبش را از تداوم جنگ ایران داشت (اکثریت شماره ۱۴۲)

*** ایتالیای جنگ ایران و عراق** مسابقه مرگ. بنا به دعوت صلح دوستان کاتولیک استان بازیلیکاتا در ایتالیا و کمیته صلح ایران و عراق در ایتالیا آکسیونهایی بمنظور افشای سیاستهای ضد خلقی و جنایات جنگی رژیم های خمینی و صدام حسین و نقش امپریالیسم آمریکا در تداوم جنگ برگزار شد. (اکثریت شماره ۱۴۲)

*** ۱۴ سازمان دانشجویی جهان** در ششمین کنفرانس سراسری فدراسیون دانشجویان هند، ادامه جنگ و ارسال اسلحه به ایران را محکوم کردند. این سازمانها با صدور قطعنامه ای خواهان قطع فوری جنگ شدند. اسامی برخی از سازمانهای امضاکننده قطعنامه عبارت است از:

- شورای دانشجویان اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی (کسمومول)، فدراسیون سراسری دانشجویان چین، اتحادیه دانشجویان مغولستان، کنگره ملی آفریقا (بخش دانشجویی)، سازمان جوانان دمکراتیک افغانستان، فدراسیون دانشجویان هند، سازمان دانشجویان پیشکام ایران و...

(اکثریت شماره ۱۴۲)

*** کمیته یونانی برای همبستگی دمکراتیک جهانی طی پیامی به کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد رابطه جنگ و اختناق در ایران را مورد ارزیابی قرار داد. (اکثریت شماره ۱۴۴)**

*** آندره گرومیکو صدر هیات رئیسه شورای عالی اتحاد شوروی، ایران و عراق را به امضای قرارداد آتش بس فراخواند. (اکثریت شماره ۱۴۶)**

*** کنفرانس مشترک پیرامون جنگ ایران و عراق در پارلمان اروپا. این کنفرانس روز ۱۷ مارس و به**

که سازمان حزب کمونیست فلسطین حزب کمونیست لبنان، حزب کمونیست عراق، جبهه خلق برای آزادی فلسطین، جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین، حزب کمونیست سودان و... در یوگوسلاوی آنرا امضا کرده اند، تداوم جنگ را تنها به سود امپریالیسم و صهیونیسم ارزیابی کرد. (اکثریت شماره ۱۲۴)

*** کنفرانس بین المللی برای صلح، امنیت و توسعه در آسیا. در این کنفرانس که روزهای ۲۶، ۲۷ و ۲۸ سپتامبر در فیلیپین برگزار شد، در بیانیه ای بر ضرورت پایان دادن به جنگ خائمانسوز ایران و عراق و قطع فروش تجهیزات نظامی به ایران تاکید شد. (اکثریت شماره ۱۳۶)**

*** بیانیه مشترک سازمانهای دانشجویی ایران، عراق، ترکیه و پاکستان. این بیانیه که در اجلاس جهانی "اتحادیه بین المللی دانشجویان" صادر شد، جنگ ایران و عراق بشدت محکوم شد. در این اجلاس سازمانهای دانشجویی ۹۵ کشور با امضای طوماری از مبارزه مردم ایران و عراق علیه جنگ اعلام پشتیبانی کردند. (اکثریت شماره ۱۳۱)**

*** بیانیه شرکت کنندگان در دوازدهمین کنگره فدراسیون ملی زنان هندوستان این کنگره، با صدور بیانیه مشترکی قطع فوری جنگ خائمانسوز ایران و عراق را محکوم کرد. بیانیه مشترک به امضای نمایندگان ۱۴ سازمان زنان منجمه فدراسیون ملی زنان هند، فدراسیون بین المللی زنان دمکرات، کمیته زنان شوروی، فدراسیون دمکراتیک زنان جمهوری دمکراتیک آلمان، شعبه زنان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و... رسیده بود. این سازمانها همچنین ارسال سلاح از سوی دولت ریگان به ایران را تعقیب نمودند. (اکثریت شماره ۱۴)**

*** شورای امنیت سازمان ملل از ایران و عراق خواست بلادرنگ جنگ را متوقف سازند.**

گروههایی در تاریخ ۲۹ شهریور در مادرید برگزار شد. (اکثریت شماره ۱۲۹)

*** قطعنامه یازدهمین کنگره جهانی سندیکاما در باره جنگ ایران و عراق. این کنگره که از ۱۶ تا ۲۲ سپتامبر در پایتخت جمهوری دمکراتیک آلمان برگزار گردید، همه نیروهای دمکراتیک و صلح دوست و جنبش جهانی سندیکاما را به تشدید تلاش برای برقراری صلح عادلانه میان ایران و عراق فراخواند. (اکثریت شماره ۱۳۹)**

*** بیانیه هفت حزب هندوستان علیه ادامه جنگ ایران و عراق. در میان نام این احزاب و سازمانها اسامی زیر به چشم می خورد:**

- حزب کمونیست هندوستان، حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست)، سازمان سراسری صلح و همبستگی هندوستان، حزب سوسیالیست انقلابی، جبهه پیشرو سراسری هندوستان...

(اکثریت شماره ۱۲۸)

*** طنین فریاد صلح خواهی مردم ایران در "کنگره جهانی صلح"، در این کنگره که از پانزدهم تا نوزدهم اکتبر در دانمارک برگزار شد، یک هیئت نمایندگی از سوی سازمان ما شرکت داشت. شرکت کنندگان در این کنگره پس از استماع سخنرانی اعضای هیئت نمایندگی سازمان درخواست قطع فوری جنگ و جلوگیری از گسترش آن به درگیری های وسیعتر تاکید کردند. (اکثریت شماره ۱۳۱)**

*** ارسال پیام و تلگراف حزب کمونیست اسپانیا، اتحادیه عمومی کارگران اسپانیا، جبهه مبارزه برای صلح، انجمن طرفداران حقوق بشر اسپانیا و... هر کدام طی پیامها و تلگراف های جداگانه ای به کمیته اسپانیایی صلح میان ایران و عراق، جنگ تبهکارانه ایران و عراق را محکوم کردند. (اکثریت شماره ۱۳۳)**

*** بیانیه مشترک هواداران ۲۱ سازمان سیاسی در یوگوسلاوی علیه ادامه جنگ ایران و عراق. این بیانیه**

درواه بسیج گسترده تر افکار جهانیان علیه جنگ ایران و عراق

هفت سال است که پنجه خورشیز جنگ ارتجاعی ایران و عراق بر هستی هم میهنان ما چنگ افداخته است نزدیک به یک میلیون نفر کشته و صدها هزار نفر معلول و مجروح شده اند. رژیم خمینی با تداوم دیوانه وار این جنگ، ویرانی عظیم، بیکاری وسیع، گرسنگی، آوارگی، بیماری و فقر هلاکتباری را به مردم ما تحمیل کرده است.

نیروهای مبارز و مردمی ایران پیشاپیش صفوف توده های رنج دیده و وطنمان بیکار خستگی ناپذیری را علیه این جنایت تاریخی به پیش می برند.

در خارج از کشور مبارزات افشاگرانه فداییان خلق و دیگر نیروهای انقلابی ایران، اعتراض وسیع بشریت ترقی خواه علیه تداوم این جنگ را برانگیخته و جمهوری اسلامی را بشدت منزوی کرده است. صفحات نشریه اکثریت طی سال گذشته جلوه های پارزی از اعتراضات جهانیان علیه این فاجعه شوم را منعکس نمود. باید با بسیج گسترده تر افکار عمومی جهانیان این اعتراضات را بسان چوبهارانی بر شتاب در سیلاب واحد اعمال فشار علیه رژیم خمینی ترکیب کرد. ملل گیتی با وادار کردن دولت ها به شرکت در اقدامات مشترک بین المللی برای جلوگیری از ادامه خورشیزی در ایران و عراق، جمهوری اسلامی را وادار به عقب نشینی خواهند کرد. اینجاست که اهمیت بسیج افکار عمومی مردم سراسر گیتی روشن تر می شود.

پس از صدور قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل، رژیم خمینی در عرصه سیاست بین المللی در موضع تدافعی قرار گرفته است. زمان، زمان تهاجم هر چه بیشتر است.

درواه بسیج گسترده تر افکار جهانیان علیه جنگ مبارزه کنیم. درفش صلح را بر توان تر از همیشه به اهتزاز در آوریم و همراه با مردم سراسر گیتی و ایرانیان مبارز و صلح دوست خارج از کشور، به یاری جنبش صلح خواهانه هم میهنان مان بشتابیم. ما رژیم خمینی را به زانو در خواهیم آورد. بهار صلح و آزادی ایران عزیز ما را شکوفه باران خواهد کرد.

راهپیمایی صلح



روز اول سپتامبر، بمناسبت سالگرد آغاز جنگ جهانی دوم راهپیمایی عظیمی از طرف اتحادیه سندیکای کارگری آلمان در برلین غربی انجام گرفت. این روز بنام روز ضد جنگ نامگذاری شده است نیروهای شرکت کننده در شعارهای خود با محکوم کردن جنگ افروزیهای امپریالیسم آمریکا و آلمان، قطع جنگ هسته ای و برقراری صلح را خواستار شدند.

فدائیان خلق در برلین غربی و توده های آلمان، ضمن شرکت در این راهپیمایی جنگ ایران و عراق را محکوم کردند.

در عکس فوق، بر پلاکارد فدائیان خلق برلین غربی شعار "جنگ ایران و عراق صلح جهانی را بخاطر می اندازد" نوشته شده است. در پایان این راهپیمایی، شرکت کنندگان مقابل خانه اتحادیه سندیکای کارگری آلمان تجمع کرده و با خواندن قطع نامه ای خواهان جمع آوری سلاحهای هسته ای شدند.

دعوت گروه پارلمانی کمونیست ها و متحدانشان در پارلمان اروپا برگزار شد. در این کنفرانس نماینده کمیته مرکزی سازمان در اروپا، رفیق مهدی فتایور، خواهان جلوگیری از صدور سلاح به ایران شد. کنفرانس خواهان برقراری آتش بس و بازگشت نیروهای نظامی دو کشور به مرزهای شناخته شده بین المللی گردید. (اکثریت شماره ۱۵۰)

* قطعنامه علیه جنگ و اختناق در ایران، در دومین کنفره جبهه ملی پدر وطن در کابل، در کنفره جبهه ملی پدر وطن که فراگیرترین سازمان سیاسی - اجتماعی افغانستان است نمایندگان ۱۸ نهاد ملی و بین المللی با امضای قطعنامه خواهان پایان دادن به جنگ و اختناق در ایران شدند. از آن جمله اند "داویدف" نماینده فداسیون جهانی اتحادیه های کارگری و "اولگ ایکناتیف" نماینده انجمن صلح و همبستگی اتحاد شوروی. (اکثریت شماره ۱۵۶)

* نوزدهمین کنفره انجمن دانشجویان کرد در اروپا که روز ۲۵ فروردین (چهاردهم آوریل) در چکسلواکی کنایش یافت خواهان قطع فوری جنگ ایران و عراق و استقرار صلح بین دو کشور گردید. (اکثریت شماره ۱۵۶)

* معاون وزیر خارجه شوروی طی یک مصاحبه مطبوعاتی گفت: اتحاد شوروی خواستار تلاشهای بین المللی برای قطع جنگ ایران و عراق است. (اکثریت شماره ۱۶۲)

* کنفره جهانی زنان در مسکو، در این کنفره سرپرست هیئت نمایندگی زنان فدایی، در بخش از سخنان خود زندگی در سایه سیاه جنگ را تشریح کرد. شخصیت های متعددی در این کنفره متنی را در محکومیت جنگ ایران و عراق و خواست پایان فوری آن امضا کردند. (اکثریت شماره ۱۶۴)

* جشنواره صلح در استکهلم

* محکومیت جنگ ایران و عراق در ژاپن، کنفرانس جهانی علیه بمب های اتمی و هیدروژنی. در ژاپن در این کنفرانس ۹۴ نماینده از ۲۶ کشور جهان و ۱۶ سازمان بین المللی و ۱۸۲ نماینده از سراسر ژاپن شرکت داشتند. شرکت کنندگان در این کنفرانس مزبور بویژه رئیس شورای جهانی صلح، نماینده کنفره ملی آفریقا، نماینده سازمان آزادی بخش فلسطین و نماینده جنبش جوانان و دانشجویان سازمان ملل ضرورت پایان دادن به جنگ ایران و عراق را مورد تاکید قرار دادند. (اکثریت شماره ۱۷۲)

کمک های مالی رسیده

"جوانان پیشگام" از آتریش	۵۹۱۰ شیلینگ
برای یاری به خانواده های زندانیان سیاسی، دوستداران سازمان از تورنتو-کانادا	۱۲۰ دلار
سونیا ویرهام از سوئد	۴۰۰ کرون
یک رفیق از لوللو-سوئد	۴۲۰ کرون
اپسالا-سوئد	۲۰۰ کرون
استکهلم-سوئد	۷۲ کرون
هلن از امئو-سوئد	۶۰۰ کرون
ادم از امئو-سوئد	۱۰۰ کرون
پیمان از آلمان فدرال	۱۰ مارک



«لنین و حزب طراز نوین»

به پیشواز هفتادمین سالگرد اکتبر بزرگ

در شماره ۱۷۲ نشریه، سلسله مقالاتی را به مناسبت هفتادمین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر، با ترجمه فشرده‌ای از «مقدمه‌ای بر دولت و انقلاب اثر لنین» که بزودی از سوی انتشارات سازمان در دسترس قرار خواهد گرفت، آغاز کردیم. در این شماره، ترجمه فصلی از کتاب «جنبش بین‌المللی طبقه کارگر، مسائل تاریخ و تئوری»، جلد دوم را برگزیده‌ایم که به «آموزش لنینی درباره حزب طراز نوین و اهمیت بین‌المللی این آموزش» اختصاص دارد. اگر بپذیریم بزرگداشت واقعی و شایسته انقلاب اکتبر، فراگرفتن و رهنمون قرار دادن لنینیسم است، و اگر بپذیریم که یکی از بزرگترین خدمات لنین به امر انقلاب و به جنبش جهانی طبقه کارگر، تدوین و گسترش آموزش حزب طراز نوین است، اهمیت محک و تامل بیشتر بر این آموزش، آشکارتر می‌شود. لنین، خود دو سال و نیم پس از پیروزی اکتبر «یکی از شرایط اساسی موفقیت بلشویکها» را وجود حزبی دانست که در آن «انضباط بسیار شدید و حقیقتاً آهنین» حاکم است و «قاطع طبقه کارگر یعنی تمامی عناصر متفکر و شرافتمند و جانفشان و با نفوذ این طبقه، که قادرند قشرهای عقب مانده را بدنحال خود بپوشانند یا به سوی خود جلب کنند» از آن «پشتیبانی کامل و بی‌دریغ» می‌کنند. (۱) این میزان از اهمیت که رهبر انقلاب اکتبر برای حزب پیشاهنگ پرولتری قائل است، ما را به آموختن و باز هم آموختن اندیشه‌های دوران ساز او در این باره فرا می‌خواند. در زیر، ترجمه فصل نامبرده از کتاب «جنبش بین‌المللی...» را می‌خوانیم.

آموزش لنین درباره حزب پرولتری طراز نوین، نتیجه منطقی تکامل اجتماعی و رشد جنبش طبقه کارگر روسیه و جهان بود. نیاز به چنین حزبی، از سوی رهبران انقلابی سوسیال دموکراسی بین‌المللی، به شدت احساس می‌شد. تجربه کسب شده توسط جنبش جهانی طبقه کارگر در سالهای واپسین دهه نوزدهم و نخستین سالهای قرن بیستم، بگونه‌ای فزاینده روشن می‌کرد که اشکال کهنه سازمان سیاسی پرولتاریا، در تضاد با مناسبات اجتماعی تحول یابنده و با ضروریات جنبش انقلابی و دموکراتیک قرار می‌گرفت.

لنین با حل این مسئله خطیر، خدمتی تاریخی انجام داد. وی آموزش همه جانبه‌ای درباره حزب ایجاد، و بگونه‌ای جامع، بنیادهای تئوریک و سازمانی، استراتژی و تاکتیک، معیارهای زندگی حزبی و اصول رهبری حزب را تدوین کرد. وی در تدوین این آموزش، به نحوی پیکیر حرکت خود را بر اندیشه‌های مارکس و انگلس درباره مبانی سازمان

سیاسی پرولتاریا استوار کرد، سازمانی که مارکس و انگلس آن را پیشامتنی انقلابی، مجهز به تئوری کمونیسم علمی، برنامه‌ای علمی و تاکتیک‌هایی مطابق با شرایط، سازمانی با وفاداری مستحکم به مواضع طبقه‌ای می‌دانستند.

مدل کردن آموزش حزب طراز نوین و کاربرد موفقیت‌آمیز این آموزش از سوی لنین، از آن‌دسته رویدادهای کلیدی در تاریخ جنبش انقلابی جهانی‌اند که اهمیت و تاثیر آنها با گذشت زمان فزونی می‌یابد. دقیقاً بدین خاطر است که دشمنان مارکسیسم، اصول ایدئولوژیک، تئوریک، سیاسی و سازمانی این آموزش را تحریف و مسخ می‌کنند. (۲) یک طرفند مورد علاقه تئوریسین‌های بورژوازی این است که آموزش لنینی درباره حزب را دکتترین فرقه‌گرایی قلمداد و چنین ادعا کنند که گویا این آموزش، بیشتر به نسخه‌نپیچ در باره «جمع ابر قهرمانان» و یا نظم شوالیه‌ای قرون وسطایی نزدیک است تا به طرح سازمان سیاسی یکپارچه‌ای نظیر آنچه یک حزب سوسیال دموکرات باید باشد. (۳) طرفند مشابهی نیز اغلب از سوی اپورتونیستهای راست به کار گرفته می‌شود. آنها چنین استدلال می‌کنند که آموزش لنین در باره حزب، «بگونه‌ای اجتناب‌ناپذیر» به قرار دادن حزب در برابر توده‌ها و کم بهادان به اهمیت فعالیت زحمتکشان می‌انجامد. (۴)

طرح لنینی حزب انقلابی پرولتری از سوی ایدئولوگهای ساوراچیپ نیز مورد حمله قرار می‌گیرد. آنها مدعیند «مرسومان و هر برنامه بطور اجتناب‌ناپذیر» جنبش را «فلج می‌کند» و رد تئوری حزب رهبری‌کننده و پذیرش طرح «اقلیت فعال» را می‌طلبند. از نظر آنها این «اقلیت فعال» باید نقش یک عامل دائمی محرک را ایفا، و بدون طرح ادعای رهبری، فعالیت را تشویق کند. (۵)

ادعاهایی از این دست، حاکی از تحریف عمده جوهر آموزش لنین است. (۶)

لنین، مفهوم حزب انقلابی طبقه کارگر را تعریف و اصول حاکم بر سازمان آن را فرمولبندی کرد، هدف و وظایف آن را بیان داشت و راهها و ابزارهای دستیابی بدانها را نشان داد. رسالت حزب، پیچ کسترده‌ترین توده‌های پرولتر و همه زحمتکشان برای یکپارچه‌ی بخش است.

محور آموزش لنین در باره حزب انقلابی، طرح ضرورت پیوند دادن جنبش طبقه کارگر با مارکسیسم انقلابی است. لنین خاطر نشان کرد که حزب تنها زمانی نقش خود را ایفا خواهد کرد که به تئوری پیشرفته، یعنی آموزش مارکسیستی مجهز باشد

و بتواند این تئوری را در انطباق با نیازهای زندگی و فعالیت انقلابی تکامل بخشد. این، پایه ایدئولوژیک اتحاد همه اعضای حزب، ایجاد مبنای مورد توافق، دستیابی به وحدت عمل، تحکیم و گسترش پیوند با توده‌ها و پیشبرد فعالیت عملی کارگران پیشرو است.

حزب به مثابه مرکز اندیشه‌پردازی تئوریک و رهبری سیاسی جنبش انقلابی طبقه کارگر، پیش از هر چیز، عامل تعیین‌کننده در دریافتن و استفاده از امکاناتی است که مبارزه برای تحولات اجتماعی و دمکراتیک فراوی طبقه کارگر می‌گشاید. لنین نشان داد که امید بستن به ایجاد خودبخودی ایدئولوژی مستقل علمی توسط جنبش طبقه کارگر، یک توهم است. طبقه کارگر به‌خودی‌خود تنها قادر به ایجاد آگاهی سندیکی است. آگاهی سوسیالیستی را باید از بیرون به درون طبقه کارگر برد، و این امر وظیفه حزب مارکسیست انقلابی طبقه کارگر است.

در این رابطه، مشخص کردن اصول عام و توانایی کاربرد درست حقیقت مارکسیسم در شرایط ویژه هر کشور در یک دوره تاریخی معین، حائز بیشترین اهمیت است. لنین در ترویج تئوری مارکسیسم نوشت سوسیال دموکراسی روسیه باید «به کارگران در آموختن آن (مارکسیسم) یاری رسانند و آن شکل از سازماندهی را ابداع کنند که در شرایط ما برای ترویج اندیشه‌های سوسیال دموکراتیک و یکپارچه کردن کارگران به مثابه یک نیروی سیاسی، از همه مناسب‌تر باشد». (۷)

در آموزش لنین، احکام عام انقلابی و سیاست عملی، رهنمودهای برنامه‌ای و راهها و وسایل کاربرد آنها، در پیوند متقابل و تنگاتنگ باهم قرار دارند، در قالب یک کل واحد ایدئولوژیک و سیاسی می‌گنجد و به لحاظ سازمانی نیز مورد تاکید قرار می‌گیرند. لنین، حزب را گردان پیشرو و آگاهی می‌دید که انجام ایدئولوژیک آن، بروحدت مادی سازمان استوار است. سازمان منسجم، تضمین اراده واحد اعضای حزب است که آرمانهای طبقه کارگر را بازتاب می‌دهد و یکپارچگی همه زحمتکشان و اقدامات هدفمند آنها را تامین می‌کند. از این رو لنین تاکید می‌کرد که «حزب به مثابه پیشاهنگ طبقه باید تاهرحد که ممکن است سازمان یافته باشد». (۸)

سانترالیسم دمکراتیک، تبدیل به مهمترین اصل سازمانی حزب طراز نوین شد. مبانی این اصل توسط مارکس و انگلس تدوین شده بودند. لنین این مبانی را باتوجه به تجربه کسب شده از سوی طبقه کارگر، و



این رو این یک خطا و خود فریبی جدی خواهد بود اگر "تمایز میان پیشاهنگ و کل توده‌هایی را که به سمت آن گرایش دارند، و وظیفه دائمی پیشاهنگ، در ارتقای بخشهای هر چه گسترده‌تر به سطح پیشرفته خود را فراموش کنیم". (۱۴)

باید همواره خاطر نشان شود که حزب انقلابی طبقه کارگر به خودی خود از نقش پیشاهنگ برخوردار نمی‌شود و باید این نقش را خود کسب کند. لنین نوشت، "این کافی نیست که خود را "پیشاهنگ" و کرد ان پیشرو بنامیم بلکه باید بگونه‌ای عمل کنیم که همه گردانهای دیگر این امر را به رسمیت شناخته و مجبور به پذیرش آن شوند که ما در صفوف مقدم کام برمی داریم". (۱۵)

یکی از دستاوردهای برجسته لنین، تدوین علمی اصل رهبری حزب بود، وحدت میان کار سیاسی و سازمانی، میان تئوری و پراتیک، میان حرف و عمل، ترکیب ادامه کاری مشی عمومی حزب با فرمولبندی و حل خلاق مسائل طرح شده توسط زندگی در عمل، تحکیم پیوند باتوده‌ها و توجه هم جانبه به منافع و روحیات آنها؛ رهبری جمعی؛ مسئولیت شمس هر فرد برای آن بخش از کار که بر عهده او است. تحقق این اصول، مستلزم سطح بالایی از ابتکار و فعالیت انقلابی در کاربست مشی حزب است.

لنین همواره می‌گفت که روشنفکران انقلابی مارکسیست، نقش مهمی در اجرای مسئولیت‌های رهبری در حزب دارند. او نشان داد که تلاش برای قرار دادن طبقه کارگر در برابر روشنفکران، از لحاظ تئوریک غیر قابل دفاع و از لحاظ سیاسی مخرب است و تاکید کرد که "تئوری سوسیالیسم از تئوریهای فلسفی، تاریخی و اقتصادی تدوین شده توسط نمایندگان تحصیل کرده طبقات دارا، یعنی روشنفکران، فراروشید". (۱۶) از سوی دیگر، وی با اشاره به نقش و مسئولیت ویژه روشنفکران انقلابی در برابر جنبش توده‌ای طبقه کارگر نوشت "یک "ایدئولوگ" تنها زمانی شایسته این عنوان است که در پیشاپیش جنبش خود بخورد باشد، راه را نشان دهد و قبل از همگان قادر باشد که همه مسائل تئوریک، سیاسی، تاکتیکی و سازمانی را که "عناصر مادی" جنبش بطور خود بخودی بدان برمی‌خورند، حل کند". (۱۷) وی نوشت این امر حائز اهمیت است که "به پرورش کارگران انقلابی که از لحاظ فعالیت حزبی در همان سطح روشنفکران انقلابی قرار دارند کمک کنیم". (۱۸)

لنین بطور هم جانبه، ضرورت شکل گیری حزب بقیه در صفحه بعد

اعضای سایر گروههای اجتماعی را نیز که موضع طبقه کارگر را پذیرفته اند، متشکل کند. سمت گیری به سوی گسترش پایه اجتماعی حزب، ناشی از ضرورت اجرای رسالت آن به مثابه رهبر جنبش رهایی بخش بود. نقطه آغاز حرکت لنین این بود که طبقه کارگر در پیکار انقلابی خود تنها نخواهد بود. او نوشت، "طبقه کارگر روسیه می‌تواند به تنهایی، حتی اگر هیچ طبقه دیگری به یاری اش نیاید، مبارزه اقتصادی و اجتماعی خود را به پیش برد. اما کارگران در پیکار سیاسی، تنها نیستند". (۱۰) دهقانان و همه بخشهای استثمار شده دیگر مردم، به پیکار سیاسی روی خواهند آورد زیرا آنها در جامعه‌ای که تضادهای اجتناب ناپذیر بر آن حاکم است از حقوق خود محرومند. لنین می‌افزاید "همه این گروههای مردم، بطور جداگانه قادر نیستند مبارزه سیاسی پیگیری به پیش برند؛ آنها تنها قادر خواهند بود به اتفاق "هرولتارها، که در راس همه بی چیزان است"، دست به مبارزه زنند.

رهبر پرولتاریای انقلابی خاطر نشان می‌کند که هر کس این اصل را فراموش کند که "کمونیستها از هر جنبش انقلابی پشتیبانی می‌کنند" (۱۱)، سوسیال دمکرات نیست. مارکسیستهای انقلابی، بدون اینکه لحظه‌ای آرمانخواهی سوسیالیستی خود را پنهان کنند، باید "در پیشاپیش همه مردم وظایف عام دمکراتیک را مطرح کنند و مورد تاکید قرار دهند". (۱۲)

لنین بر این پای می‌نرشد که سوسیالیستها در تلاش برای کسب نفوذ در میان توده‌ها و جلب حمایت آنها باید همواره به یاد داشته باشند که قبل از هر چیز طبقه کارگر را نمایندگی می‌کنند. لنین نوشت، "برای اینکه یک حزب سوسیال دمکرات باشیم، ما باید دقیقا حمایت طبقه کارگر را کسب کنیم". (۱۳)

وی تاکید می‌کرد که حزب باید بگونه‌ای استوار به مواضع طبقاتی خود وفادار بماند، و از سوی دیگر خاطر نشان می‌کرد که تحت هیچ شرایطی، حزب به مثابه بخش پیشروی طبقه کارگر را نباید با کل طبقه یکی گرفت. این درهم آمیزی، وجه مشخصه اپورتونیستهاست. لنین می‌گفت پلشویکیها حزب طبقه‌اند، و از این رو تقریبا تمام طبقه (و تحت شرایطی کل طبقه) باید تحت رهبری حزب عمل، و خود را با آن هماهنگ کند. اما این توهم خواهد بود اگر گمان شود که در سرمایه داری، تمام طبقه یا تقریبا تمام طبقه به سطح آگاهی و فعالیت بخش پیشروی خود ارتقا خواهد یافت. لنین نوشت از

با توجه به شرایط تاریخی تحول یابنده، گسترش داد. وی، جوهر سانترالیزم دمکراتیک را بصورت پیوند متقابل ارگانیک میان سانترالیزم و دمکراسی بیکری نهفته در ماهیت اجتماعی-سیاسی حزب پرولتاری، نشان داد.

لنین همواره تاکید می‌کرد بدون سانترالیزم هیچ حزب مبارز متحد نمی‌تواند وجود داشته باشد، بدون سانترالیزم حزب بگوشه‌ای اجتناب ناپذیر به سطح سازمانهای مجزا و پراکنده تنزل خواهد کرد. وی نفی سانترالیزم و انضباط حزبی را اپورتونیسم در مسائل سازمانی، و در پیوند ناکستنی با اپورتونیسم در تاکتیک، و به برنامه حزب می‌دانست، چرا که نفی ضرورت سازمانی باید از نفی ضرورت سانترالیزم و دیسیپلین به معنای تبدیل حزب انقلابی از یک پیشاهنگ مبارز و رهبری کننده کارگران و همه زحمتکشان به "محل بحث" است که قادر به تدوین و کاربست برنامه عمل منسجمی نیست.

لنین همچنین خاطر نشان کرد که سانترالیزم، پیوندی ارگانیک با دمکراسی درون حزبی دارد. وی خواستار انتخابی بودن ارگانهای رهبری، پاسخگو بودن آنها بر اساس رده و سطحشان، تغییر ترکیب اعضای آنها و حتی همه اعضای حزب، بدون استثناء، برای شرکت مستقیم با از طریق نمایندگان در همه امور حزب بود. بدون این، حزب بگونه‌ای اجتناب ناپذیر به سطح یک سازمان بسته دارای سلسله مراتب جامد تبدیل خواهد شد.

لنین، معیارهای زندگی حزبی و مقررات دقیقی را که باید بر زندگی درون حزبی حاکم باشد و اشکال سازمانی و شیوه‌های کار آن را تعریف کند، تدوین کرد. وی تاکید کرد این مقررات باید از سوی عموم مورد پذیرش قرار گیرد و در اسناد مربوطه، و در وهله اول اساسنامه حزب، ثبت شود. شکل دادن به معیارهای زندگی حزبی و نظارت اکید بر آنها از سوی همه کمونیستها و ارگانهای حزبی بدون استثناء، شرط اکید اجرای موفقیت آمیز جنبش رهبری توسط حزب است. لنین نوشت، "این وظیفه ماست که از استحکام، بایبندی و خلوص حزب خود دفاع کنیم. ما باید بکوشیم تا نام و اهمیت عضو حزب را بالا، بالاتر و هر چه بالاتر ببریم". (۹) تنها چنین برخوردی بود که می‌توانست به ایجاد سازمانی کاملا پرولتاری و به لحاظ ایدئولوژیک یکپارچه، بیانجامد، سازمانی که قادر به رهبری مبارزه انقلابی طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش علیه سرمایه داری باشد و به سمت ساختمان جامعه‌ای نوین پیش رود.

لنین نوشت حزب باید آرایش نیروهای طبقاتی را دقیقا ارزیابی کند، منافع کل جنبش طبقه کارگر را در انطباق با موقعیت موجود و ویژگیهای هر دوره تاریخی به حساب آورد و بر این پایه، برنامه عمل علمی، و راهها و ابزارهای دستیابی به اهداف فوری و نهایی را طرح کند، استقلال سیاسی و ایدئولوژیک خود را تضمین کند و زحمتکشان را بگونه‌ای موثر در جهت دگرگونی جامعه سرمایه داری به شیوه‌ای انقلابی رهنمون شود. حزب باید برای دستیابی به این هدف، قبل از هر چیز دارای پیوندهای تنگاتنگ باتوده‌ها باشد.

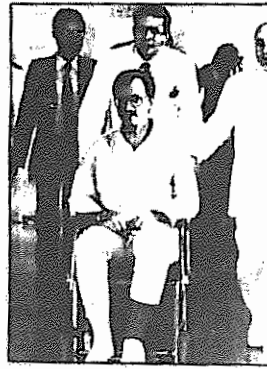
آموزش لنینی حزب پرولتاری طراز نوین، دربرگیرنده اندیشه پیشاهنگ آگاه و سازمان یافته کارگران است که در صفوف خود، پیشرفته‌ترین

«ارتباط ایتالیایی»

بقیه از صفحه اول

تابه اتهام "افترا" مجازات شود. اما پارلمو دست از تحقیقات خود برنداشت.

ماجرای معاملات سه‌جانبه مافیا، جمهوری اسلامی و دولت ریگان با یک سلسله قتل که قربانی اکثر آنها، دلالان دستگیر شده توسط مقامات قضایی کشورهای مختلف بودند، همراه بود. سرهنگ نورث فعال‌ترین مقام آمریکایی در رابطه با رسوایی "ایران کیت" و همکاران او، نمی‌خواستند تا از این معاملات کوچکترین نکته‌ای به بیرون درز کنند. مثلاً در ۲۸ ژوئیه ۱۹۸۶، سیروس هاشمی از واسطه‌های ایرانی ماجرایی در لندن به قتل رسید. در اوت ۱۹۸۶، مافیا دست‌اندرکار تدارک توطئه دیگر برای قتل کارلویا لرمو با زیرس ایتالیایی شد. اما پیش از آنکه این سو قصد به اجرا درآید، ماجرای "ایران کیت" علنی شد. چرا و چگونه؟ مقاله "عمر جدید"، به احتمالات مختلفی اشاره می‌کند، رقابت‌های درونی دلالان، اختلافات در میثت حاکمه آمریکا و پیادر رژیم خمینی، انتقامجویی اسرائیلی‌ها از دولت آمریکا به خاطر تحویل مستقیم اسلحه به جمهوری اسلامی، چرا که تا مدتی، آمریکایی‌ها برای تحویل سلاح به رژیم خمینی از طریق اسرائیل عمل می‌کردند، اما پس از آنکه در چند



کارلویا لرمو، بازپرس ایتالیایی که به دلیل انجام تحقیقات پیرامون معاملات تسلیحاتی مافیا و جمهوری اسلامی، هدف سوء قصد قرار گرفت.

مورد، اسرائیلی‌ها در معاملات دست به "تقلب" و تحویل "جنس بنجل" زدند، ارتباط با واسطه اسرائیلی تبدیل به ارتباط مستقیم شد. در حال، رسوایی‌های بی‌دری در ارتباط با "ایران کیت" هر روز پیش پیش صحت نتایج تحقیقات کارلویا لرمو داد. مقامات دولت ایتالیا پس از اعلام تحریم تحویل سلاح به جمهوری اسلامی در ژوئن ۱۹۸۴، اقدام در جهت صدور مجوز سلاح به ایران را صادر کرده بودند. "ایران کیت" ایتالیا هنوز نکات پنهان زیادی دارد. انتظار می‌رود در هفته‌ها و ماه‌های آینده، نکات بیشتری از این ماجرای تاریک، روشن شود.

راهپیمایی صلح در آخن - آلمان فدرال

ب - اعتراض به شرکت دولت آلمان فدرال در طرح‌های نظامی گرایانه امیریا لیم جهانی
ج - قطع ارسال سلاح به ایران و عراق از سوی کشورهای تولید کننده
د - پشتیبانی از پناه‌مندان سیاسی در آلمان فدرال
فداییان خلق - آخن از جمله شرکت کنندگان در این راهپیمایی بودند که ضمن حمل پلا کاردهایی با مضامین ضد جنگ، به بخش اعلامیه‌ای به زبان آلمانی در رابطه با روز جهانی صلح پرداختند.

روز اول سپتامبر - روز جهانی صلح - گروهی از مردم آخن در دفاع از صلح جهانی به راهپیمایی در این شهر پرداختند. راهپیمایی که پلاکاردهایی در دست داشتند پس از عبور از چند خیابان در یکی از مراکز شهر جمع شده به سخنرانی دوتن از نمایندگان دوستان صلح گوش فرا دادند. در سخنرانی‌ها هر محورهای زیر تاکید شد،
الف - ضرورت قطع مسابقه تسلیحاتی در جهان

یک اقدام افشاگرانه موفق

تلویزیون دانمارک با همکاری "انجمن ایرانیان" اقدام به ساختن یک فیلم داستانی بلند به نام "بچه‌های خمینی" نمود. در این فیلم مجموعه ترندهایی که توسط رژیم خمینی برای کشاندن دانش‌آموزان به چپ‌های جنگ بکار گرفته می‌شود تصویر شده است. در این فیلم تحمیل مذهب، ارائه امکانات آموزشی، امکان‌یابی برای گریز از درس و امتحان، جذب حمل سلاح و تیراندازی برای یک نوجوان، امکان یابی برای بزرگسال تلقی شدن و اعمال قدرت، دادن تشخص کاذب و ایجاد امکانات و تسهیلات مادی برای خانواده بعنوان اهرم‌ها و انگیزه‌های روانی و مادی مورد استفاده عوامل رژیم خمینی برای جذب دانش‌آموزان به بسیج و اعزام آنان به چپ‌های مرگ، مورد تشریح قرار گرفته است.

این فیلم که در دانمارک تهیه شده است، تاکنون در تلویزیون سراسری کشورهای دانمارک، فنلاند، نروژ، سوئد، هلند، آلمان فدرال، و هلند به نمایش گذاشته شده است.

«لنین و حزب طراز نوین»

بقیه از صفحه قبل

انقلابی پرولتاریا و رشد نقش و نفوذ اجتماعی - سیاسی آن در میان توده‌ها را به مثابه شرایط الزامی گسترش مبارزه زحمتکشان در راه تحولات اجتماعی و دمکراتیک و در راه گذار انقلابی از سرمایه‌داری به سوسیالیسم، مدلل کرد. وی تاکید کرد طبقه کارگر که در آستانه یورش به دژهای سرمایه‌داری است، باید از سازمان سیاسی تکلی متفاوت از احزاب سوسیال رفرمیست برخوردار باشد. مارکسیسم انقلابی، وظیفه واقعی حزب انقلابی طبقه کارگر را نه در رویا بردازی درباره تجدید سازمان جامعه، نه در محر نامنچاریبای بی‌اهمیت اجتماعی، نه در توطئه‌چینی، بلکه در سازماندهی و هدایت مبارزه طبقاتی پرولتاریا، "که هدف نهایی آن، کسب قدرت سیاسی توسط پرولتاریا و ساختمان جامعه سوسیالیستی است"، می‌دید. (۱۹)

آموزش لنینی حزب و تجربه کاربست موفقیت آمیز آن در عمل، تبدیل به بخشی از گنجینه کن جنبش انقلابی جهان شده است. طبقه کارگر تنها

از این طریق قادر به انجام رسالت تاریخی خود است.

پانویسها

- ۱ - منتخب آثار یکجلدی فارسی، صفحه ۷۲۶
- ۲ - ل. هایسون، "مارکسیستهای روس و ریشه‌های بلشویسم"، هاروارد ۱۹۶۶ و ل. شاپیرو، "حزب کمونیست اتحاد شوروی"، نیویورک، ۱۹۶۰ و او. ک. فلشتنهایم، "بلشویسم"، وین - فرانکفورت، زوریخ ۱۹۶۷.
- ۳ - آ. ب. اولام، "لنین و بلشویکیها"، لندن ۱۹۶۶، ص ۱۷۹.
- ۴ - روزه‌کاری، "آلترناتیو"، انتشارات روبرلا فون، پاریس ۱۹۷۲، ص ۲۱۵.
- ۵ - ژ. ساواکر، آ. گاسبار، د. کن - پندیت، ژ. پ. دوتویی، "شورش دانشجویی"، انتشارات دوسویی، پاریس ۱۹۶۸، ص ۹۱، ۹۲.
- ۶ - نقد اندیشه‌های ضد مارکسیستی درباره بلشویسم در بسیاری آثار گنجانده شده است، از جمله در: آ. اف. کامتین، "تاریخ شکل‌گیری حزب سوسیال دمکرات کارگر روسیه از دید لنین و از دید منتقدین بورژوازی"، مسکو ۱۹۷۲؛ "نقدی بر نظریه‌های بورژوازی درباره تاریخ و سیاست حزب کمونیست

- اتحاد شوروی"، لنینگراد ۱۹۷۴ (مردوبه زبان روسی).
- ۷ - و. ا. لنین، "دوستان خلق" کیانند...، مجموعه آثار، ج ۱، ص ۲۲۰.
- ۸ - "یک گام به پیش، دو گام به پس"، مجموعه آثار، ج ۷، ص ۲۵۸.
- ۹ - "کنگره دوم ح ک س در"، مجموعه آثار ج ۶ ص ۵۰۴.
- ۱۰ - "برنامه ما"، مجموعه آثار، ج ۴، ص ۲۱۰، ۲۱۴.
- ۱۱ - ک. مارکس، ف. انگلس، "مانیفست حزب کمونیست".
- ۱۲ - "چه باید کرد؟"، مجموعه آثار ج ۵، ص ۴۲۵.
- ۱۳ - "یک گام به پیش، دو گام به پس"، مجموعه آثار ج ۷، ص ۲۶۲.
- ۱۴ - همانجا، ص ۲۶۱.
- ۱۵ - "چه باید کرد؟"، مجموعه آثار، ج ۵، ص ۴۲۶.
- ۱۶ - همانجا، ص ۳۷۵.
- ۱۷ - "گفتگویی با هاد افغان اکونومیسم"، مجموعه آثار ج ۵، ص ۲۱۶.
- ۱۸ - "چه باید کرد؟"، مجموعه آثار ج ۵، ص ۴۷۰.
- ۱۹ - "برنامه"، مجموعه آثار ج ۴، ص ۱۱ - ۲۱.

توافقی اتحاد شوروی و آمریکا در مورد موشکهای میان برد

پدنهال مذاکرات ادوارد شواردناده وزیر امور خارجه شوروی در واشنگتن، اعلام شد که اتحاد شوروی و آمریکا در مورد برچیدن همه موشکهای میان برد مستقر در خشکی، به توافق اصولی دست یافته اند. قرار است معاهده ای در این مورد در جریان سفر میخائیل گابریچف دبیرکل حزب کمونیست شوروی به ایالات متحده توسط وی و ریگان رئیس جمهور آمریکا امضا شود. کارپاچف در پاییز امسال به واشنگتن خواهد رفت.

توافقی واشنگتن، پس از سومین دور گفتگوهای شواردناده و شولتز وزیرای خارجه دو کشور در روز پنجمین ۱۷ سپتامبر حاصل شد. دوطرف توافق کردند که در ماه اکتبر شولتز به مسکو سفر کند تا آخرین مذاکرات برای نخستین دیدار رهبر شوروی از آمریکا انجام گیرد.

آخرین مانع عمده بر سر راه توافق پیرامون موشکهای میان برد، وجود ۷۲ موشک "پرشینگ-آ" متعلق به آلمان فدرال بود. کلاهکهای هسته ای این موشکها، به ارتش آمریکا تعلق دارد اما خود آنها که در آلمان فدرال مستقرند، توسط دولت این کشور از

آخرین مانع عمده بر سر راه توافق پیرامون موشکهای میان برد، وجود ۷۲ موشک "پرشینگ-آ" متعلق به آلمان فدرال بود. کلاهکهای هسته ای این موشکها، به ارتش آمریکا تعلق دارد اما خود آنها که در آلمان فدرال مستقرند، توسط دولت این کشور از

توافقی شوروی و آمریکا، شامل کلیه موشکهای با برد ۵۰۰ تا ۵ هزار کیلومتر است که در خشکی استقرار یافته اند. اکثر این سلاحها در اروپا مستقرند.

وزرای خارجه دو کشور همچنین توافق کردند که مذاکراتی با هدف منع کامل انفجارهای هسته ای آغاز شود. شولتز وزیر خارجه آمریکا اظهار امیدواری کرد که دوطرف در مورد خاموش کردن کانونهای منطقه ای تشنج نیز به پیشرفتی دست یابند.

بیانیه جبهه دمکراتیک ملی فیلیپین در مورد کودتای نافرجام اخیر

شان دهند قابلیت بیشتری برای پیشبرد "جنگ تمام عیار" علیه خلق دارند. تاکنون دولت ریگان ترجیح داده است از جناح آکینو حمایت کند.

بیانیه مؤهرو بار دیگر بر ضرورت سرنگونی رژیم کنونی و جایگزینی آن توسط دولت واقعا مستقل و دمکراتیک خلق تاکید کرده است. در بیانیه آمده است، "دقیقا چنین دولتی است که جبهه دمکراتیک ملی هم اکنون در سراسر کشور دست به کار استقرار آن است."

بیانیه می افزاید، "همه واحدهای ارتش نوین خلق باید حملات نظامی علیه نیروهای مسلح دولتی-هم نیروهای طرفدار آکینو و هم فاشیستهای ضد آکینو-را گسترش دهند."

آکینو رئیس جمهور فیلیپین هفته گذشته با ترمیم کابینه خود چوکر آریو و نئودورولوکسین دو تن از مشاوران خود را از ترکیب کابینه کنار گذاشت. همانگونه که در شماره گذشته گزارش دادیم، نظامیان راستگرا خواهان برکناری این دو تن شده بودند. آریو و کیل مدافع برخی از مخالفان سیاسی در زمان حکومت مارکوس بود و پس از سرنگونی مارکوس به عضویت کابینه آکینو درآمد. همچنین سالوادور لورل معاون آکینو از مقام وزارت خارجه کناره گرفت.

جبهه دمکراتیک ملی فیلیپین که بیانگر مواضع سیاسی ارتش نوین خلق، نیروی عمده انقلابی در این کشور است، در رابطه با کودتای نافرجام اخیر در فیلیپین بیانیه ای انتشار داده است. در این بیانیه، تلاش گروهی از نیروهای فاشیست درون دولت آمریکایی آکینو برای کودتا، نشانه بحران عمیق باینده سیستم ارتجاعی حاکم ارزیابی شده است. در این بیانیه آمده است کودتای نافرجام اخیر، واکنش هراس آمیزی در برابر گسترش اعتراضات توده ای علیه سیاست ضد مردمی رژیم و رشد برق آسای نفوذ نیروهای انقلابی در شهر و روستا بود.

بیانیه می افزاید، "رژیم آمریکایی آکینو نشان داده است که نمی تواند برای مسائل کشور راه حلی ارائه کند، این رژیم اعتراض به افزایش ناعادلانه بهای نفت را به همان شیوه فاشیستی پاسخ داد که در برابر دهقانانی که در ماه ژانویه خواهان اصلاحات ارضی واقعی شده بودند، به کار بسته بود. از سوی دیگر، حامیان کودتا، از جناح آکینو برای عدم موفقیت در سرکوب جنبش انقلابی روبرو رشد انتقاد می کنند و خواهان تشدید بازهم بیشتر فشار بر مردمند."

جبهه دمکراتیک ملی خاطر نشان می کند که هر دو جناح رژیم، تنها در پی آنند که به امپریالیسم آمریکا

از سرگیری جنگ در سری لانکا

درگیریهای خونینی به وقوع پیوست و بیش از ۱۵۰ کشته به جا گذاشت.

پدنهال این درگیریها، دولت سری لانکا اعلام کرد واحدهای ارتش هند که در سری لانکا مستقرند، از این پس دستور دارند به سوی چریکهای تامیل تیراندازی کنند. همچنین قرار است کشتیهای مشترک پلیس سری لانکا و ارتش هند، به جستجوی آندسته از چریکهای تامیل که از تحویل دادن سلاحهای خود سر باز می زنند، بپردازند.

در حالیکه چند هفته پیشتر از قرارداد کلمبو میان هند و سری لانکا برای پایان دادن به جنگ داخلی سری لانکا نمی گذرد، هفته گذشته زدو خورد های مسلحانه در این کشور از سر گرفته شد.

پدنهال توافق دولت مرکزی کلمبو با برخی گروههای تامیل منحنی بر اعطای "خودمختاری" محدود به تامیل ها، میان این گروهها و "بهرهای آزادی بخش تامیل ایلام" که مهم ترین سازمان چریکی تامیل است،

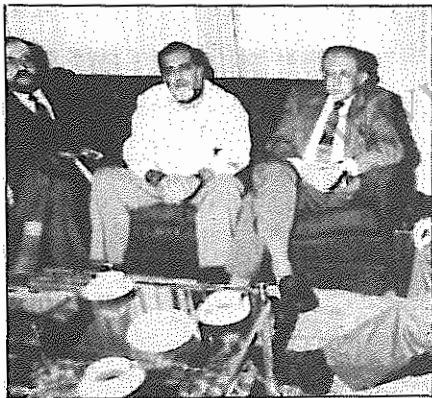
برگزاری پنجمین سالگرد

قتل عام صبرا و شتیلا در مناطق اشغالی

هفته گذشته کرانه غربی رود اردن و نوار غزه که دو منطقه تحت اشغال اسرائیلند، شاهد تظاهرات و اعتصابات گسترده فلسطینی ها به مناسبت پنجمین سالگرد قتل عام وحشیانه صبرا و شتیلا بودند. سربازان ارتش صهیونیستی علیه تظاهرات مردم متوسل به گاز اشک آور و تیراندازی شدند. گسترده ترین تظاهرات در رام الله و البیره صورت گرفت. در برخی نقاط، مردم دست به سنگساز و آتش زدن لاستیک زدند. درد انشگاه هبرون و در شهر غزه، دانشجویان با در دست داشتن پرچم فلسطین در تظاهرات شرکت کردند. علیرغم تلاش نیروهای اشغالگر برای جلوگیری از اعتصاب، مغازه داران فلسطینی فروشگاههای خود را تعطیل کردند.

اخبار کوتاه

● یک هیات نمایندگی سه نفره از سوی جبهه رهایی بخش ملی فارابوندومارتی-جبهه دمکراتیک انقلابی السالوادور با اسکار آریاس رئیس جمهور کاستاریکا دیدار و پیرامون طرح صلح آمریکای مرکزی با وی گفتگو کرد. عکس، اعضای هیئت انقلابیون السالوادور را در دیدار با آریاس نشان می دهد، از چپ به راست: روبن زامورا، خورخه شفیق مندل (دبیرکل حزب کمونیست السالوادور) و کپلمو اونکو.



● نیروهای سرکوبگر رژیم آپارتاید در نزدیکی شهر کیمپ تاون یک سرپرچه ۱۴ ساله را به قتل رساندند. این جنایت در جریان سرکوب تظاهرات مردم در اعتراض به اخراج ۲۸۰ کارگر یک کارخانه کنسرو ماهی صورت گرفت.

● مبارزان لبنانی و فلسطینی طی یک درگیری با واحدهای ارتش اسرائیل و مزدوران "ارتش جنوب لبنان"، سه تن از نفرات ارتش اسرائیل را به هلاکت رساندند. این عملیات توسط چریکهای حزب کمونیست لبنان و جبهه خلق برای آزادی فلسطین انجام گرفت. شریه وارده به نیروهای صهیونیست، باعث شد تا رابین وزیر جنگ و شورون رئیس ستاد ارتش اسرائیل در محل نبرد حضور یابند.

● ضد انقلابیون افغانی یار دیگر یک هواپیمای باربری را هدف حمله موشکی قرار دادند. در سقوط این هواپیما در کندوز، هر ۱۵ سرنشین آن کشته شدند. سه هفته پیش نیز ۶ تن در سقوط هواپیمایی بر اثر اصابت موشک، کشته شده بودند.

مدارس به پادگانهای نظامی تبدیل شده‌اند

در پی آن مجلس شورای اسلامی نیز جهت تحقق وعده وزیر آموزش و پرورش مبنی بر تأمین ۵۰۰ کردان دانش آموزی در سال تحصیلی ۶۵-۶۶، "لایحه آموزش نظامی در مدارس" را تصویب کرد و میلیتاریزه شدن نظام آموزشی کشور را رسمیت بخشید. مطابق مصوبه مجلس، وزارت آموزش و پرورش موظف گردید شرایط مناسب را برای فعالیت بسیج پادگان در مقاطع تحصیلی راهنمایی و دبیرستان فراهم نماید.

دو هفته بعد از تصویب این لایحه، مسئولان ستاد جنگ آموزش و پرورش با صدور اطلاعیه‌ای دستور دادند، "برای تداوم عملیات پیروزمندان اسلام، کلیه فرهنگیان و دانش آموزان به صفوف سپاهیان محمد پیوستند". اما صدور این اطلاعیه برای بسیج اجباری کارساز نبود. به همین منظور مسئولان "ستاد" روز ۸ بهمن در حسینیه ارشاد تهران گرد آمدند تا راه تازه‌ای برای کشتار دانش آموزان بیابند. در همین گردهمایی برای هر دبیرستان و حتی مدرسه راهنمایی حداقلی جهت اعزام دانش آموزان به جبهه تعیین شد. معاون پرورشی آموزش و پرورش توضیح داد: "از هر دبیرستان پسرانه و بیامدرسه راهنمایی واجد شرایط حداقل ۲۰ دانش آموز داوطلب به همراه دو تن از پرسنل داوطلب راهی جبهه‌های نبرد با دشمن خواهند شد. اولین اعزام روز ۲۰ بهمن ماه (سال ۶۵) انجام می‌شود و مدت حضور در مناطق عملیاتی بین ۴۵ روز تا سه ماه خواهد بود. حاصل این اقدامات در سراسر کشور، تشکیل "سپاه صدهزار نفری محمد" و "مهدی" بود. لشکریان محمد که برای انجام "عملیات بزرگ" و "نهایی" بسیج شده بودند، در بدو اجرای عملیات به خاک و خون کشیده شدند. سپاهیان "مهدی" نیز که برای بقیه در صفحه ۸

بیش از ده میلیون دانش آموز و دانشجو از روز اول مهرماه سال تحصیلی جدید را آغاز می‌کنند. در اولین روز سال تحصیلی جدید نیز به همراه صدای زنگها، تغییر شوم طبل جنگ در آغاز هشتمین سال آن طنین انداز است. به مناسبت آغاز سال تحصیلی، مروری داریم به تدارکات و ترفندهایی که در طی هفتین سال جنگ برای به خاک و خون کشاندن هر چه بیشتر دانش آموزان و دانشجویان به اجرا گذاشته شدند.

در سالی که گذشت رژیم به هر حرب و ترفندی برای بسیج جوانان و اعزام آنان به جبهه جنگ متوسل شد. روز ۱۰ آبان اعزام دانشجو به خارج ممنوع شد و آیین نامه معافیت پزشکی تغییر یافت، حتی کسانی که قدرت بینایی قابل تشخیص اطراف خود را نیز نداشتند به جبهه اعزام شدند تا در جریان عمل ارزیابی شوند. به دانش آموزان کلاس چهارم که برای گریز از اعزام اجباری به جبهه نمره ردی گرفته بودند، کارنامه قبولی دادند تا آنان را از معافیت تحصیلی محروم سازند. در روستاها والدین مشمولان فراری را برای معرفی فرزندان خود به کروکان گرفتند و دفترچه اوراق خانواده مشمولان غایب را باطل کردند. در روستاها فیلم نمایش دادند تا از آن برای شکار جوانان تماشاگر استفاده کنند و در شهرها به سینماها، پارکها، ورزشگاهها، کارگاهها و... یورش بردند.

در جریان اجرای مرحله سوم "مانور خندق" که روز پنجم آذر در تهران صورت گرفت در هر یک از نواحی ۸۴ کانه بسیج پادگان تهران، بیش از ۲۰۰ تن دستگیر شدند. اکثر دستگیرشدگان مشمولان غایب و فراری بودند که از همان محل به اجبار برای شرکت در "سپاه بزرگ محمد" به پادگانهای نظامی کبیل شدند.

مقتدایی در اعتراف به مقاومت زندانیان سیاسی:

"زندانیان هیچگونه اثری بر روحیه آنها نداشته"

مصاحبه مطبوعاتی خود، جرم انقلابیون را "فعالیت ضد اسلامی" معرفی کرد.

مقتدایی همچنین ناکزیر به اعتراف شده است که بسیاری از زندانیان سیاسی کشور در برابر شکنجه‌های ددمنشانه رژیم پایداری و استقامت نشان داده و دشمن را در برابر اراده آهنین خود به زانو افکنده اند. وی گفت: "امادر رابطه با آنهاست که در موضع خود باقی هستند و زندانیان هیچ گونه اثری بر روحیه آنها نداشته و احتمال اینکه اگر این گونه افراد آزاد و در خارج از زندان مجدداً مشغول فعالیت ضد اسلامی و انقلابی شوند وجود دارد، این افراد مورد عفو قرار نمی‌گیرند و باید محکومینشان را تحمل کنند." (کیهان هوایی ۲۵ شهریور) موسوی اردبیلی رئیس دیوانعالی رژیم نیز در دیدار با سفرای کشورهای آفریقایی و عربی مدعی شد "تعداد زندانیان ضدانقلاب کشور بسیار کم است" آنچه رژیم را واداشته تا بدین گونه حقایق آشکار را تکذیب کند، همانا افشاکری وسیع نیز و سازمانهای انقلابی در داخل و خارج از کشور، مبارزات خانواده‌های زندانیان سیاسی و موضعگیری قاطع سازمانها و محافل بین‌المللی است. بر دامنه مبارزه خود در این عرصه بیافزائیم.

اعتراضات بین‌المللی محافل مترقی و انقلابی علیه استبداد و خفقان سپاه قرون وسطایی رژیم، علیه ددمنشی و خویشخواری رژیم در زندانها، بشکن بیسابقه‌ای رژیم را تحت فشار قرار داده است. افشاکری نیروهای انقلابی در داخل کشور، مبارزات شکرمنند خانواده‌های زندانیان سیاسی و مبارزات افشاکرانه در عرصه بین‌المللی، آنکاه که باهم پیوند می‌یابند، عتق تپه‌کاری و چنایتکاری رژیم را در انظار مردم ایران و جهان آشکار و رسوا می‌سازد. رژیم بطور مداوم تکذیب می‌کند. اما سگر نه اینکه تکذیب مکرر خود نمود اعتراف به واقعیت است.

مقتدایی عضو و سخنگوی شوراب عالی قضائی در یک گفتگوی مطبوعاتی خطاب به سازمانهای بین‌المللی به قصد مقابله با اخبار و گزارش‌های منتشره از سوی سازمانهای انقلابی کشور بار دیگر مدعی شد که در جمهوری اسلامی زندانی سیاسی وجود ندارد. وی گفت: "ما به‌طور صریح اعلام می‌کنیم که در ایران زندانی سیاسی به این معنایی که در دنیا مطرح است به کلی نداریم و افرادی که در زندان تحمل کیفر می‌کنند تماشان افرادی هستند که اعلام جنگ مسلحانه با نظام داشته‌اند." وی در بخش دیگری از

منتشر شد

شماره ۱۹ نشریه آموزش‌هایی از انقلاب و سوسیالیسم منتشر شد. در این شماره مقالات زیر به چاپ رسیده است:

۱ - اصول اساسی تنظیم دقیق مسایل اقتصادی در برنامه احزاب کمونیست

این مقاله توسط س. نوولف، نوشته شده است و مطالبی تحت عنوان زیر را شامل می‌شود: اثبات اقتصادی استراتژی و تاکتیکها، مطالبات اقتصادی جنبش طبقه کارگر، خصوصیات اصلی اسناد برنامه‌ای احزاب کمونیست.

۲ - چگونگی تکامل احزاب انقلابی در کشورهای با سمت گیری سوسیالیستی

"کمیسریون تبادل تجاربت احزاب" نشریه بررسی مارکسیستی

جهان برای پاسخگویی به امر فوق توضیحات نمایندگان سه حزب انقلابی، علی‌هردو عضو کمیته مرکزی حزب انقلابی خلق بهین، کاشوکاکامپو رئیس دبیرخانه دائمی کمیته مرکزی حزب کارکنان و هایللو واندو اس عضو کمیته مرکزی حزب کارگران اتیوپی را درج کرده است. این مقاله از نشریه بررسی مارکسیستی جهان ترجمه شده است.

۲ - مسایل متدولوژیک مبارزه ضد امپریالیستی و انقلاب

این مقاله که توسط ف. زاخاروف نوشته شده است از کتاب مسایل جنبش کمونیستی برگرفته شده است. در این مقاله عذارین زیر به چشم می‌خورد:

جنبش‌های دمکراتیک و مبارزه طبقاتی، خصمت ویژه فرآگرد انقلابی در کشورهای سرمایه‌داری، برخی مسایل انقلابیات ملی-دموکراتیک

<p>AKSARIYAT NO. 175 MONDAY, 21 SEP. 87</p>	<p>آدرس: Address: Ruzbeh POSTFACH 1810 5100 AACHEN W. GERMANY</p>
<p>حساب بانکی AUSTRIA - WIEN BAWAG (BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT) NR. 02910701.650 DR. GERTRAUD ARTHNER</p>	<p>با جمع آوری کمک مالی فدائیان خلق را در انجام وظایف انقلابی یاری دهید</p>